



اعضای اصلی تیم مناظره کننده را  
به مناظره در تلویزیون دعوت می‌کنم  
گفت و گو با دکتر سید محمود نبویان

۲۲



بسیج دانشجویی تهران بزرگ

من تیم مذاکره کننده آقای روحانی را  
دارای صلاحیت نمی‌دانستم  
گفت و گو با دکتر محمدحسین قدیری ابیانه



۱۴

فرارسیدن سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) را تسلیت می‌گوییم

سال اول • شماره سوم • دی ماه ۱۳۹۹

# چرخه معیوب مذاکره

گفت و گو با مهدی رحمانیان مدیر مسئول روزنامه شرق

## برجام؛ مهمترین اتفاق بین‌المللی سال‌های اخیر ایران

گفت و گو با مرتضی احمدی کارشناس روابط بین‌الملل

## آخرین تحولات برجام در ایران

پرونده ویژه

## هزینه‌های یک لجبازی

سیر تاریخی روابط  
ایران و آمریکا

صفحه ۳

یک متن یک قرارداد

صفحه ۱

کدام محوری روحانی،  
از سعدآباد تا وین

صفحه ۸





## شناسنامه

مجله تحلیلی، تبیینی

رکن چهارم

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی تهران بزرگ

مدیر مسئول:

سیدعلیرضاتقدیری

سردبیر:

علی عسگری

ناظر:

مصطفی ابراهیمی

مدیر داخلی:

زهره صالحی

ویراستار:

مصطفی نظری

مدیر هنری:

نیکان هنر ایرانیان باستان (نهاب)

گرافیک و صفحه آرایی:

جمال دیدگر

دبیر هیئت تحریریه:

زهره صالحی

هیئت تحریریه:

مهديه نظرزاده، سجاد فخرایی

علی سلیمانی، امیر حسین آذری

مبینا نجاری، زهره صالحی

علی عسگری، رضامهوشی

# ر

## فهرست

- ۳ پرونده مذاکرات ایران با شیطان بزرگ
- ۵ اصول مذاکره از منظر مقام معظم رهبری
- ۷ معرفی تیم مذاکره کنندگان هسته‌ای
- ۸ کدخدا محوری روحانی، از سعد آباد تا وین
- ۱۰ یک متن یک قرارداد
- ۱۲ گفت و گو با دکتر محمدحسن قدیری ایبانه
- ۱۴ بخش خسارت‌های اقتصادی برجام در بیان دولت و
- ۱۵ سازش، مذاکره و رستم ایران شهر
- ۱۶ هزینه‌های یک لجبازی
- ۱۸ گفت و گو با دکتر سید محمود نبویان
- ۲۱ گفت و گو با مهدی رحمانیان
- ۲۳ دفاع از اشتباه یا فرار از پاسخگویی؟
- ۲۵ از آرمانگرایی تا واقع گرایی، تعارض یا زمین بازی
- ۲۷ گفت و گو با مرتضی احمدی





بسیج دانشجویی تهران بزرگ



## سخن مدیرمسئول

### بسم الله الرحمن الرحيم

سومین شماره ماهنامه‌ی تبیینی، تحلیلی رکن چهارم را می‌خوانید.

اینکه تا کنون چند نفر روی کره زمین به دنیا آمده‌اند و چند نفر این کره خاکی را ترک کرده‌اند، سوالی است که شاید هیچ انسانی در طول تاریخ پاسخ روشنی برای آن نداشته باشد. اینکه کره زمین تا به امروز چند نوع آدم با چه شخصیت‌هایی، با چه افکاری و با چه عملکردی را به چشم خود دیده هم به نوبه خود جای کنجکاوی و شگفتی دارد. این را هم می‌دانیم که پاسخ به چنین سوالاتی از درک و توان و ظرفیت عموم ما خارج است؛ اما ای کاش کمی دقیق‌تر و ظریف‌تر به این معجزه خدای خوبمان ایمان بیاوریم که یقیناً بودن ما در این نقطه از کره زمین و در این برهه از زمان، مسئله‌ی اتفاقی نبوده و نیست؛ علی‌ایحال ما در دهمین و البته سردترین ماه سال، در آخرین سال از قرن ۲۱ نفس می‌کشیم. قرنی که پر از آدمیزاد بود و تحت تاثیر روحيات و جهتگیری‌های او. با همه‌ی اتفاق ریز و درشت رومزه در جهان و ایران که در ذهن‌های ما تلمبار می‌شوند و رسانه‌ها مان را به خود مشغول می‌کنند، انداختن نیم‌نگاهی به تاریخ، خالی از لطف نبوده و حتماً با تجربیات حاوی پیش در موضع‌گیری نسبت به وقایع آینده کمک حال ما خواهد بود. از عملیات‌هایی مانند نصر و توکل در سال‌های دفاع مقدس تا فوت مرحوم هاشمی رفسنجانی و بعدتر برجام و بعدترش شهادت مظلومانه اما مقتدرانه‌ی شهید قاسم سلیمانی و در پی‌اش حوادث دلخراش

هوایی‌های اوکراینی و شهدای کرمان و چندین اتفاق ریز و درشت دیگر همگی سندشان به نام سردترین ماه سال، یعنی دی‌ماه خورده است. از جمله اتفاقات سیاسی اما تاثیرگذار بر زندگی عموم مردم کشورمان می‌توان به برنامه‌ی برجام اشاره کرد و ما، اعضای هیئت تحریریه‌ی مجله رکن چهارم در سومین شماره از این نشریه، موضوع برجام را از دل تاریخ بیرون کشیده ایم تا فارغ از نگاه‌های حزبی و جانب‌دارانه بر مدار انصاف حرکت کنیم و روایتگر یک تجربه تاریخی اما مهم در سپهر سیاسی معاصر کشورمان باشیم. خواندن نظرات و تحلیل‌های صاحب‌نظران این حوزه خالی از لطف نبوده و یقیناً به ایفای نقش بهتر هر یک از ما در این برهه و نقطه کنونی کمک می‌کند. ما معتقدیم گفتگو، شاکله‌ی ارتباط را شکل می‌دهد و اعلا‌ترین نوع ارتباط آن است که منجر به وحدت شود و وحدت، همان چیزی است که یکی از خط قرمزهای سردار شهیدمان بود، تلاش ما در این شماره این بوده است که با بیان نظرات مختلف در مورد برجام، گامی در جهت نزدیک کردن آرا و شکل‌گیری فرهنگ گفتگو حول مسئله‌ی برجام برداریم. ما تلاش کردیم که برجام را بدون رتوش و بزرگ و فارغ از بمباران‌های تبلیغاتی روایت کنیم و خوب می‌دانیم ادامه‌ی حرکت‌مان مستلزم حمایت و نقدهای شما خوانندگان گرامی است لذا می‌توانید نظرات و پیشنهادات خود را جهت بهبود عملکرد مجله‌ی رکن چهارم به کانال بله بسیج دانشجویی تهران بزرگ ارسال کنید. ما مشتاقانه منتظر گفتگو با شما ایم.

• سیدعلیرضا تقدیری •



بسیج دانشجویی تهران بزرگ



# سخن سردبیر

## بسم الله الرحمن الرحيم

شماره ای که هم اکنون مطالعه می کنید به چگونگی تقابل در نگاه و فکر و مبانی دو جریان اهتمام ورزیده که ادراک متفاوتی از منافع و حصول آن دارند.

بین سهم خواهی ها و حق خواهی و تفاوت اینکه آیا اصول انقلاب اسلامی بین جدال این دو قربانی می شود یا نه هم از مسائل پرداخته شده می باشد.

تاریخ جریان مذاکرات ایران و آمریکا از ابتدا و موشکافی رسیدن به یک نتیجه ای که غلط و درست بودن آن سر نوشت یک ملت را به عقب بردا هم بخشی از این شماره است.

اما نقطه ای اوج این مذاکرات از سال ۱۳۹۲ آغاز شد و به نوع خود بی سابقه ترین نوع ارتباط بین ایران و آمریکا بود که در نهایت منجر به یک توافق شد، اینکه آیا دستاوردها و چیزهایی که دادیم و چیزی های که گرفتیم در سردی زمستان ۹۴ ما را به باغ و بهار رساند و مشکل آب خوردن مردم ما را حل کرد مسئله ای است که مطرح کردن آن در اینجا لازم است چرا که حوادث و اتفاقات بعدی باعث می گردد، دوباره در ب باغ سبزی نشان داده شود و راه پر هزینه ای جدیدی ایجاد شود.

برای جلوگیری از این اتفاق گفت و گو با صاحب نظران این حوزه اتفاق افتاد تا ابعاد و لایه های پنهان و مغفول مانده روشن تر برای همگان باشد.

از ابتدا هم رهبر انقلاب به این حرکت خوشبین نبودند و

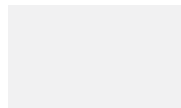
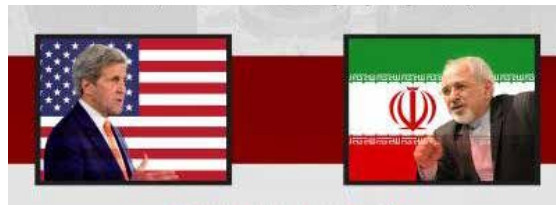
در نهایت آن را خسارت محض نامیدند چرا که این عمل دارای دنباله بود هر چند که مسئولان این امر آن را تکذیب می کنند، اما از متن بر جام این برمی آید که بعد از پذیرش این معاهده که فاقد پیگرد حقوقی در دادگاه بین المللی است دارای لایه های به دور خود است - مثل: پذیرش لوایح چهار گانه FATF یا قطعنامه ۲۲۳۱ که پیوستی بر بر جام است ادامه فعالیت های موشکی ایران را خطرناک و الزام به کاهش آن دارد.

اما عامل و مسائلی که خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران مثل استقلال را رد کرد و چند سالی است که مرده به حساب می آید به مرحله پایان خود نزدیک می شود و با قانون اقدام راهبردی مجلس شورای اسلامی در حال پایان حیات خود است، اما آیا هزینه ها و ریختن خون شهیدان علمی و فشار های بی امان اقتصادی به مردم و مستضعفان این فهم و آگاهی را ایجاد کرد که نباید به دشمن اعتماد کرد و آیا عده ای به این فهم رسیدند که توبه گرگ مرگ است یا خیر؟ الله اعلم....

در پایان از همکاران خود در شورای تحریریه مجله رکن چهارم کمال تشکر را دارم که در این مدت زحمات بسیاری کشیدند برای آماده سازی محتوا که از هر جهت کامل و سودمند باشد. در مصاحبه ها هم سعی شد کسانی که از هر دو جبهه صحبت های خود را بیان کنند که به درک بهتر حقیقت کمک شود.

ومن الله توفیق و علیه التکلان

• علی عسگری •



## پرونده مذاکرات ایران با شیطان بزرگ

• مبینا نجاری •



# سیر تاریخی روابط ایران و آمریکا

از نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی خود در ایران میدان داری می کرد. در ورای تصمیم گیری های کلان و حساس کشور نقش آمریکا مشهود بود و هر نوع تحرک و اراده مستقلى را از هيئت حاکمه وقت سلب می کرد.

اگر چه روابط آمریکا و جمهوری اسلامی پس از بیرون راندن خاندان پهلوی از ایران تا هشت ماه ادامه داشت، اما فصل نوینى که با استقلال مردم ایران و در سایه رهبری خردمندانه حضرت امام به دست آمده بود صفحه دیگری از تجربه های آگاهانه فراروی انقلاب شکوهمند اسلامی گشوده شد که از اولین اقدامات پس از آن قطع کامل ارتباطات دیپلماتیک نظام اسلامی و آمریکا بود.

و هیأت حاکمه وقت ایران مطرح کند. همین امر سبب شد که دولتمردان واداده عصر پهلوی برای تثبیت حاکمیت و منافع خود که با ملی شدن نفت دچار تزلزل شده بود به سمت آمریکا گرایش پیدا کنند و بر همین اساس وقتی که طرح کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از طرف آمریکا مطرح شد توسط هیأت حاکمه ایران پذیرفته شد.

این اولین گام ظهور چهره استعماری آمریکا در ایران بود که جنبش ملی مردم ایران را که سال ها برای آن مبارزه کرده بودند از بین برد. از سال ها پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ تا انقلاب اسلامی ۵۷ آمریکا بکه تاز عرصه های مختلف سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران بود و با استفاده

برای ارزیابی مناسب از روند گفت و گوی فعلی ایران و آمریکا لازم است ابتدا نگاهی تاریخی به روابط این دو کشور بزرگ بیندازیم.

وقتی که انگلیس در جریان ملی شدن صنعت نفت جایگاه خود را در ایران در سده اخیر از دست داد و دولت بریتانیا رفتارهای تهاجمی در شکایت به دادگاه بین المللی و سازمان ملل و محاصره نظامی در برابر ملت و دولت ایران از خود نمایان کرد، این امر باعث به دست آمدن نفت شد که آمریکا از دیر زمان منتظر شکل گیری و بروز آن بود؛ از آنجایی که آمریکا تا آن دوران از میان ایر قدرت های مطرح، نقش مستقیم مداخله گر در ایران ایفا نکرده بود، توانست خود را به عنوان یک چهره صلح طلب در اذهان افکار عمومی



## ایران و آمریکا پس از سال ۵۷

بعد از اشغال لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام، اتفاقات و رخداد‌های زیادی نظیر دخالت‌ها و توطئه‌ها و کارشکنی‌های آمریکا در جریان انقلاب اسلامی، کودتای نوژه، حمایت از گروهک‌های تجزیه طلب و ضدانقلاب، حمایت از صدام در شروع جنگ و بعد از آن تحریم‌های مختلف بین ایران و آمریکا به وقوع پیوست. یکی از آنها سفر «رابرت مک‌فارلین» مشاور ویژه دستیار ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا به تهران در سال ۶۵ است. این در حالی بود که تخصصات و دشمنی‌های آمریکا در دوران جنگ تحمیلی علیه ایران به اوج خود رسیده بود. این سفر که به شکلی کاملاً محرمانه صورت گرفته بود، با افشاگری مقامات عالی‌رتبه نظام، افشا شد. این همان کاری بود که آقای هاشمی رفسنجانی در یکی از سخنرانی‌های خود به آن اشاره کرده و سفر مک‌فارلین را که با انجیل امضاء شده توسط رئیس‌جمهور آمریکا به ایران آمده بود، غیرقانونی تلقی کرد.

در ادامه ماجراجویی‌های آمریکا در برابر انقلاب اسلامی، می‌توان به انهدام هواپیمایی مسافربری ایران بر فراز آب‌های خلیج فارس و به شهادت رسیدن چند صد نفر از مسافران بی‌گناه آن پرواز اشاره کرد. همین‌طور حضور دوباره آمریکا در منطقه و نیاز این کشور برای برقراری ثبات و آرامش نیروهای مستقر در خاورمیانه، سوژه‌ای بود که باعث شد آمریکا با فرورپاشی شوروی یکه‌تاز میدان شود تا اینکه توطئه‌ای از پیش طراحی شده در حادثه یازده سپتامبر آغاز شد و آمریکا به افغانستان حمله کرد. آمریکا برای سر و سامان دادن به وضعیت آشفته آن کشور و هماهنگی مواضع گروه‌های مختلف جهادی، بار دیگر دست به دامان ایران شد تا در ماجرای افغانستان به نوعی با ایران بر سر میز مذاکره بنشینند. در جریان حمله آمریکا به افغانستان که به بهانه مبارزه با تروریسم صورت گرفت، مقامات ارشد سیاست خارجی وقت ایران و آمریکا به همراه برخی دیگر از کشورهای مرتبط با جنگ، بر سر میز مذاکره نشستند و به حل و فصل بحران ناشی از تجاوز آمریکا به افغانستان پرداختند.

## دلایل ایران برای مذاکره با آمریکا درباره افغانستان

در این شرایط جمهوری اسلامی ایران دلایلی برای مذاکره با آمریکا در قضیه افغانستان داشت که بدین شرح است:

- ۱ ایجاد آرامش و امنیت در یک کشور نامن در همسایگی شرقی.
- ۲ از بین بردن و متلاشی کردن مافیای تولید مواد مخدر که منبع آن در کشور افغانستان بود.
- ۳ از آنجایی که طالبان، یک گروه ماجراجو و تروریست، در رأس قدرت حکومت افغانستان قرار داشت، ایران جهت تشکیل یک دولت مسالمت‌آمیز و صلح‌جو در افغانستان با آمریکا بر سر میز مذاکره نشست، اما با کمال تأسف چند روز بعد از همکاری ایران در حل بحران افغانستان، جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا ایران را به عنوان محور شرارت در جهان اعلام کرد و همه زحمات و همکاری‌هایی که جمهوری اسلامی ایران جهت بیرون آمدن آمریکا از باتلاق افغانستان به کار بسته بود مورد بی‌مهری قرار گرفت. در همین حال، اتهامات جدید آمریکا علیه ایران آغاز شد و این ماجراجویی‌ها به جایی رسید که رئیس‌جمهور آمریکا ایران را تهدید به حمله نظامی کرد و اقدامات دیگری نظیر تحریم‌های اقتصادی در برابر ملت ایران انجام داد.

موضوع دیگری که در جریان اتهامات آمریکا علیه ایران مطرح می‌شود، قضیه هسته‌های جمهوری اسلامی ایران است که آمریکا به همراه چند کشور متحد اروپایی خود در صدد بزرگ‌نمایی این فوری و تکنولوژی علمی است. در نتیجه ماجراجویی‌هایی این کشورها، پرونده هسته‌های ایران به شورای امنیت رفت و برای اینکه ایران را از حق مسلم خود در زمینه فن‌آوری هسته‌ای محروم سازند، چند قطعنامه نیز در همین زمینه در شورای امنیت علیه ایران صادر شد. با این وجود آمریکا در صدد فشارهای بیشتری علیه ملت ایران برآمد. تا اینکه در جریان حمله آمریکا به عراق چند موقعیت مناسب در اختیار جمهوری اسلامی قرار گرفت.

## بررسی مذاکرات ایران و آمریکا درباره عراق

### الف- بررسی شرایط و اوضاع آمریکا:

در جریان اشغال عراق، آمریکا در باتلاق بزرگی فرو رفته بود. یکی از کلیدها و عوامل اصلی نجات آمریکا از این منجلاب، ایران به شمار می‌رود. زیرا ایران در عراق نفوذ معنوی بسیار زیادی دارد. مساله دیگری که آمریکا را در مقابل ایران در موضع ضعف قرار داد، جنگ سی و سه روزه اسرائیل و لبنان بود. حزب‌الله لبنان یکی از بازوهای قدرتمند جمهوری اسلامی

در جریان جنگ پیروز از میدان بیرون آمد و موازنه قدرت را در خاورمیانه به نفع ایران رقم زد. پس‌لرزه‌های این شرایط وخیم در منطقه برای آمریکا شکست جمهوری خواهان (جناح جورج بوش) را در انتخابات کنگره و مجلس سنا به بار آورد.

جریان تنش‌ها بین ایران و آمریکا ادامه داشت تا این که بعد از شکست جورج بوش در انتخابات مجلس، فشارها علیه رئیس‌جمهور آمریکا افزایش یافت. ماجرای عراق عامل تعیین‌کننده‌ای در چند انتخابات بعدی آمریکا مطرح بود؛ به نحوی که یک تیم جهت ارزیابی علل شکست آمریکا و راهکارهای برون‌رفت از آن تعیین شد. بعد از بررسی‌های زیاد این گروه به این نتیجه رسید که دولت آمریکا جهت خارج شدن از باتلاق عراق باید با کشوری مثل ایران به گفت‌وگو بنشیند و از کمک‌های ایران جهت بیرون آمدن از این منجلاب بهره‌مند شود.

از سوی دیگر دموکرات‌ها (جناح مقابل جورج بوش) که در هر دو مجلس به پیروزی رسیده بودند، با اهرم‌های متخلف و تحریک مردم آمریکا علیه جورج بوش، عرصه را برای رئیس‌جمهور تنگ کردند و طرح‌های گوناگون رئیس‌جمهور آمریکا را در مرحله عمل ناکام گذاشتند.

بنابراین دولت آمریکا از دو طرف، هم در داخل و در خارج تحت فشار شدیدی قرار گرفت و در به در به دنبال روزنه نجات بود. تا آن روزها ایران به این صورت عاملی تعیین‌کننده و تاثیرگذار در رفتارهای دولت مردان و حکومت آمریکا نبود. بنابراین مذاکره با ایران برای آمریکا از اهمیت حیاتی برخوردار بود و ابزار تمایل زیادی در مواضع و سخنان مقامات آمریکایی جهت گفت‌وگو با ایران به شدت ابراز می‌شد.

### ب- بررسی وضعیت و جایگاه ایران:

اما در طرف دیگر قضیه موقعیت و جایگاه ایران است. جمهوری اسلامی ایران با ابهت و اقتدار به حیات سیاسی خود در جهان ادامه می‌دهد. بدون دخالت ایران در مناقشات منطقه مشکلات خاورمیانه حل نخواهد شد.

امروز بیشتر راه‌های حل بحران‌های خاورمیانه و جهان به جمهوری اسلامی ایران ختم می‌شود.

اکنون پرسش اصلی اینست که با توجه به شرایط دو طرف متخاصم، آیا مذاکره و گفت‌وگو به نفع دو طرف تمام می‌شود یا اینکه آمریکا و ایران به تنهایی و بدون طرف مقابل از این امر بهره‌مند خواهند شد؟ شاید با نگاه دقیق به پیش‌زمینه‌های مذاکره بتوان به نتیجه مناسب رسید. هر چند مواضع آمریکا در ضمن تمایلات آن کشور برای گفت‌وگو با ایران جالب توجه است.

از زمانی که زمره مذاکره مطرح شده است، دولت آمریکا شدیدترین حملات لفظی و کلامی را علیه ایران به کار بسته است. حتی بعضی از مقامات بلند پایه آمریکا نظیر دیک چنی معاون سابق رئیس‌جمهور، ایران را تهدید نظامی کردند و از سوی دیگر در رسانه‌های جهان علیه ایران تبلیغات به راه انداختند.

## نتیجه‌گیری

### رهبر انقلاب:

مذاکره با آمریکا نه تنها فایده ندارد، بلکه ضرر هم دارد و این موضوع، با استدلال به مسئولان سطوح بالای کشور گفته شده و آنان نیز پاسخی در رد آن نداشتند.

۱۳۹۵/۰۶/۲۸

همه این مطالب گفته شد تا به انتهای برسیم به اینکه آش همان آش است و کاسه همان کاسه!

به راستی چطور هنوز آمریکایی پرستان مقیم ایران دم از مذاکره دوباره می‌زنند؟ آیا برایشان روشن نشده که آمریکا شیطان بزرگ است که هیچ‌گاه به پای عهد خود نمی‌ماند؟

فرزندان این وطن در اوج تحریم نفتکش‌های غول‌پیکر تمام ایرانی‌ها فراموش با ظرفیت ۱۱۳ هزار تن و وزن ۲۲.۵ هزار تن را در اوج تحریم ساختند!

درست زمانی که دولت می‌گوید تا مذاکره نکنیم و FATF رو تصویب نکنیم پیشرفت نمی‌کنیم، این نفتکش ساخته شد.

تاکی رهبری باید از منع مذاکرات صحبت کنند؟

کو گوش شنوا؟ دولت مردان ما تا کی می‌خواهند زبیر بار ذلت برونند؟ اصلاً شاید شهید ادوار دو (مهدی) آنیلی درست می‌گفت که رهبری به بعضی از مسائل اشاره می‌کنند اما خیلی‌ها انگار حرف ایشان را نمی‌گیرند و هیچ توجهی به سخنان ایشان نمی‌کنند و کار خودشان را انجام می‌دهند!

آری حکایت این چنین است....



## اصول مذاکره از منظر مقام معظم رهبری

- به نظر شما حضرت آقا درباره قدرت‌های جهانی چه نظری دارند؟
- نظر ایشان درباره مذاکره با کشورهای جهان علی‌الخصوص با رژیم آمریکا چیست؟
- اگر ما آمریکا را به عنوان استکبار جهانی می‌شناسیم، مذاکره با او به معنای نفی استکبارستیزی تلقی نمی‌شود؟
- بهترین مذاکره از دید ایشان چه ویژگی‌هایی دارد؟

• مهدیه نظرزاده •

برای پاسخ به پرسش‌های بالا بهترین روش این است که به صحبت‌های خودشان استناد کنیم. ایشان درباره ماهیت سلطه‌های جهانی و نوع برخورد با آن‌ها در جایی می‌فرمایند:  
«سلطه‌های جهانی جز قوت و قدرت هیچ نمی‌فهمند، و در برابر زبان قدرتی که آنان به کار می‌گیرند با زبان قدرت باید سخن گفت.»

۶۶/۰۶/۳۱

به نحوی تقسیم وظایف است. دنبال چیزی به نام مذاکره‌ی با ایرانند؛ اما مذاکره بهانه است، مذاکره وسیله برای نفوذ است، مذاکره وسیله برای تحمیل خواسته‌ها است. ما فقط در قضیه‌ی هسته‌ای به دلایل مشخصی که مکرر هم این دلایل را ذکر کرده‌ایم، موافقت کردیم بر روند مذاکره کنند؛ خوب مذاکره کردند. بحمدالله مذاکره کنندگان ما هم در این عرصه خوب ظاهر شدند؛ اما در عرصه‌های دیگر ما اجازه‌ی مذاکره ندادیم و با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم؛ با همه‌ی دنیا ما مذاکره می‌کنیم، اما با آمریکا نمی‌کنیم. ما اهل مذاکره‌ایم، اهل تفاهیمیم؛ هم مذاکرات در سطح دولت‌ها، هم مذاکرات در سطح اقوام، هم مذاکرات در سطح ادیان؛ ما اهل مذاکره‌ایم و با همه مذاکره می‌کنیم جز با آمریکا؛ و البته رژیم صهیونیستی به جای خود محفوظ که اصل وجود رژیم صهیونیستی، وجود نامشروع و دولت جعلی است.» ۱۳۹۴/۰۶/۱۸

وقتی از ایشان درباره مبارزه‌ی با استکبار سؤال می‌شود، باطمینان تکالیف نظام اسلامی را شرح می‌دهند:

■ «مبارزه‌ی با استکبار، مبارزه‌ی با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست... یعنی اگر مبارزه‌ی با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. مبارزه‌ی با استکبار که تمام نمی‌شود. در مورد مصادیق استکبار، آمریکا اتم مصادیق استکبار است. ما به این مسئولین محترمی که در قضیه‌ی هسته‌ای مذاکره می‌کنند - که حالا اینها اجازه پیدا کرده‌اند که مسئولین روبه‌رو با هم حرف بزنند؛ البته سابقه داشت، در این سطح نه، در سطوح پایین‌تر سابقه داشت؛ در این سطح، اولین بار بود - گفته‌ایم که فقط در مسئله‌ی هسته‌ای شما حق دارید مذاکره کنید؛ در هیچ مسئله‌ی دیگری حق ندارید مذاکره کنید، و نمی‌کنند.» ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

اما این مذاکره و تعامل بر سر هسته‌ای چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ از جمله ویژگی‌هایی که ایشان مطرح می‌کنند هوشیاری و شناخت شگردهای طرف مقابل است.

■ «در تعامل، طرف مقابل را باید شناخت؛ شگردهای او را باید دانست؛ هدف‌های اساسی و کلان را باید مد نظر داشت. ممکن است دشمنی سر راه شما را بگیرد، بگوید از اینجا نباید جلو بروید. سازش با او به این صورت نیست که شما قبول کنید، برگردید؛ هنر این است که شما کاری کنید که راهتان را ادامه دهید، او هم مانع کار شما نشود.» ۱۳۹۲/۴/۳۰

ایشان صراحتاً بیان می‌کنند تنها با توافقی موافق هستند که احترام، منافع و عزت ملت ایران در آن محفوظ بماند و همچنین نقشه راهی را نشان می‌دهند که طرفین وظیفه دارند کلیات و جزئیات طرح را شفاف و روشن در یک جلسه مشخص کنند تا راه برای هرگونه سوءاستفاده بسته شود:

■ «بند هم موافقم، مطمئنم که ملت ایران هم آن توافقی را که در آن عزت او محفوظ بماند، احترامش محفوظ بماند، منافعش حفظ بشود، مخالفتی ندارد، موافقت خواهد کرد؛ منتها باید این خصوصیات، بلاشک ملاحظه بشود.»

اگر توافق می‌کنند، جزئیات و کلیات و همه را در یک جلسه‌ی واحد تمام بکنند، امضا کنند. اینکه کلیات را جداگانه توافق کنند، و بعد بر اساس آن کلیات - که یک چیزهای مبهمی است، تفسیرپذیر است، تحلیل‌پذیر است - بروند سراغ جزئیات، نه، این منطقی نیست.» ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

رویکرد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در طول سال‌های زعامتشان نسبت به جریان سلطه و به ویژه در رأس آن‌ها آمریکا و اسرائیل جنایتکار روشن و مشخص بوده است. ایشان همراه در مسیری حرکت کرده‌اند که بنیانگذار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (رضوان الله علیه) دائماً بر آن تأکید داشتند، رویکردی که برخاسته از کلام الهی است و در آن حفظ منافع جهان اسلام و منافع مسلمین حرف اول و آخر را می‌زند.



برای پاسخ به پرسش‌های بالا بهترین روش این است که به صحبت‌های خودشان استناد کنیم. ایشان درباره‌ی ماهیت سلطه‌های جهانی و نوع برخورد با آن‌ها در جایی می‌فرمایند:

■ «سلطه‌های جهانی جز قوت و قدرت هیچ نمی‌فهمند، و در برابر زبان قدرتی که آنان به کار می‌گیرند باز زبان قدرت باید سخن گفت.»

۶۶/۰۶/۳۱

اما چرا ایشان تأکید دارند که در برابر نظام سلطه با زبان قدرت باید سخن گفت؟ ■ زیرا «اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد، زور خواهد شفت، به او زور می‌گویند؛ اگر ملتی قوی نباشد، باج‌گیران عالم از او باج می‌گیرند، از او باج می‌خواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت می‌کنند؛ اگر بتوانند زیر پا او را لگد می‌کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی اداره می‌شود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف می‌کند، زورگویی خواهد کرد؛ چه نسبت به فرد، چه نسبت به ملت... اگر یک ملتی به خود نیاید، خود را قوی نکند، دیگران به او زور می‌گویند.» ۱۳۹۳/۰۱/۰۱

حضرت آقا، بارها و بارها در سخنانشان خطاب به مسئولین و مردم بدعهدی‌های دشمن را یادآور شده و تلاش می‌کنند ملت را به استفاده از تجربه‌های گذشته تشویق کنند:

■ «تجربه‌های گذشته‌ی ما نشان می‌دهد که گفت‌وگو در منطبق حضرات آمریکایی به این معنی نیست که بنشینیم تا به یک راه‌حل منطقی دست پیدا کنیم منظورشان از گفت‌وگو این است که بنشینیم حرف بزیم تا شما نظر ما را قبول کنید! این، تحمیل است و ایران زیر بار تحمیل نمیرود.» ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

ایشان حتی در مساله مذاکره با آمریکا، اتمام حجت می‌کنند که هر فرد و هر جریانی که برای اسلام و به نام اسلام کار می‌کند، اگر به آمریکا اعتماد کند، دچار خطای بزرگ شده و سبلی آن را خواهد خورد.

اما آن‌جا که دیگر دولت آقای روحانی موفق به جریان‌سازی شده و بدون توجه به خواسته‌ی رهبر جامعه به عرصه این گفت‌وگوهای فشل وارد می‌شود، ایشان باز هم در مقام پدر امت، سعی می‌کنند خطوط تغییرناپذیر جمهوری اسلامی ایران در مقابله با استکبار را نشان دهند و نگاه ایران اسلامی را برای مذاکره با جهان تبیین کنند:

■ «آمریکا دشمنی خودش را پنهان هم نمی‌کند. بله، تقسیم وظایف می‌کنند؛ یکی لبخند می‌زند، یکی مصوبه علیه جمهوری اسلامی تهیه می‌کند و دنبال می‌کند؛ این



# معرفی تیم مذاکره‌کنندگان هسته‌ای

پس از چندی ترکیب تیم مذاکره‌کننده اعلام و در ترکیب تیم مذکور در اوایل مذاکرات علاوه بر محمدجواد ظریف که ریاست هیات ایرانی را بر عهده داشت، «سیدعباس عراقچی» معاون وقت امور حقوقی و بین‌المللی، «مجید تخت‌روانچی» معاون اروپا و آمریکا، «حمید بعیدی‌نژاد» مدیر کل سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، «غلامحسین محمدنیا» مشاور وزیر خارجه، «محمد امیری» مدیر کل امور پادمان‌های سازمان انرژی اتمی و «پژمان رحیمیان» مدیر کل حوزه ریاست سازمان انرژی اتمی اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران حضور داشتند. البته امیری و رحیمیان به عنوان نمایندگان سازمان انرژی اتمی در مذاکرات بودند. اسحاق آل حبیب مدیر کل وزارت انرژی در این دور از مذاکرات حضور داشت.

یک تیم از مشاوران حقوقی از جمله امیر حسین زمانی‌نیا و جمشید ممتاز نیز در تعدادی از دوره‌ها تیم مذاکره‌کننده ایرانی را همراهی می‌کردند. علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی و بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان نیز از مذاکرات مونتر (اسفند ۱۳۹۳) و حسین فریدون دستیار ویژه رئیس‌جمهور نیز از مذاکرات لوزان (اسفند ۹۳ و فروردین ۹۴) به این ترکیب پیوستند.

**■ بازگشت هیات مذاکره‌کننده بعد از توافق وین**  
هیاتی که اولین دور مذاکرات را آغاز کردند هر کدام این روزها در سمت‌ها و منصب‌های مختلفی مشغول به فعالیتند.

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کماکان در سمت خود - سکنداری دستگاه دیپلماسی - مشغول به فعالیت است. البته ظریف در ساعات پایانی دوشنبه شش بهمن ماه ۱۳۹۷ استعفا داد و پس از ۳۰ ساعت و بعد از آنکه رئیس‌جمهور با استعفایش موافقت نکرد، مجدداً به میدان مشق بازگشت.

## ■ عراقچی در تهران

سیدعباس عراقچی هم که در دوران مذاکرات هسته‌ای از مذاکره‌کنندگان ارشد و به‌قولی دست راست ظریف بود و در آن دوران عهده‌دار معاونت امور حقوقی و بین‌المللی بود بعد از تغییر ساختار وزارت خارجه در اواخر دی ماه ۱۳۹۶ به عنوان معاون سیاسی منصوب شد. معاونتی که از مجموع سه معاونت منطقه‌ای (معاونت اروپا و آمریکا، معاونت عربی و آفریقا و معاونت آسیا و اقیانوسیه) متولد شد.

## ■ روانچی به نیویورک می‌رود

مجید تخت‌روانچی مرد آرام مذاکرات، در این دوران دو سمت را تجربه کرد. او که در کوران مذاکرات هسته‌ای معاونت اروپا و آمریکا را عهده‌دار بود در آبان ماه ۱۳۹۶ و قبل از اعلام تغییر ساختار جدید وزارت خارجه به ریاست جمهوری رفت و معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور شد. او اکنون مسافر نیویورک است و قرار است به زودی به جای «غلامعلی خوشرو» به عنوان سفیر و نماینده دائم ایران در دفتر سازمان ملل در نیویورک مشغول به فعالیت شود.

## ■ بعیدی‌نژاد سفیر ایران در لندن

حمید بعیدی‌نژاد مدیر کل سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه که ریاست هیات کارشناسی ایران در مذاکرات با ۵+۱ را بر عهده داشت نیز بعد از آنکه قرار شد روابط دیپلماتیک ایران و انگلیس مجدداً به شکل سابقش بازگردد، به عنوان اولین سفیر ایران در لندن پس از قطع روابط دیپلماتیک، منصوب شد و ۱۵ شهریور ماه ۱۳۹۵ نیز به عنوان اولین سفیر ایران در انگلیس پس از پنج سال قطع و کاهش روابط بین تهران و لندن، استوارنامه خود را تقدیم وزیر خارجه وقت این کشور کرد. او در حال حاضر در این سفارتخانه مشغول به فعالیت است. بعیدی‌نژاد در دوران تصدی سفارت حضور گسترده و فعالی در فضای مجازی از جمله توییتر و اینستاگرام دارد و در عرصه دیپلماسی عمومی فعال است.

زمینه تخصصی بعیدی‌نژاد خلع سلاح و امنیت بین‌المللی است و از سال ۱۹۹۲ تاکنون در بسیاری از مذاکرات و کنفرانس خلع سلاح شامل اجلاس‌ها و نشست‌های کشورهای عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌بی‌تی) شرکت کرده است. او در جلسات متعدد خلع سلاح و امنیت بین‌المللی به عنوان نماینده ایران حضور داشته و ریاست برخی از این جلسات و نشست‌های بین‌المللی را بر عهده داشته است.

## ■ محمدنیا از تیرانا به تهران بازگشت

«غلامحسین محمدنیا» عضو دیگر تیم مذاکره‌کننده که در آن دوران مشاور وزیر خارجه نیز بود پس از آنکه به عنوان سفیر ایران در آلبانی منصوب و مهرماه ۱۳۹۵ استوارنامه خود را تقدیم رئیس‌جمهوری وقت آلبانی کرد در دی ماه ۱۳۹۷ در پی توطئه‌چینی‌های صهیونیست‌ها و منافقین با ادعای نقض دیپلماتیک از سوی تیرانا به تهران بازگشت.

محمدنیا در این باره به ایرنا گفته بود که این اقدام آلبانی در اخراج دو دیپلمات ایرانی سناریوی آمریکایی - صهیونیستی بوده و برای لطمه زدن به رابطه ایران و اروپا است و افزود: «نقض عرف و قواعد دیپلماتیک، به شکل قاطعانه‌ای از سوی جمهوری اسلامی ایران و بنده رد می‌شود. این اتهام نه تنها ادعای کذب بوده بلکه اتهامی کودکانه است. دولت آلبانی می‌داند که فعالیت‌های سفارت ایران تنها در ارتباط با این کشور بوده است. دولت آلبانی یک مورد را نمی‌تواند اعلام کند که سفیر ایران از چارچوب اقدامات مصوب و عرف دیپلماتیک خارج شده است.»

## ■ امیری بازنشسته شد

محمد امیری مدیر کل امور پادمان‌های سازمان انرژی اتمی که به عنوان نماینده سازمان انرژی اتمی در مذاکرات حضور داشت، شهریور ۱۳۹۳ و پس از ۳۰ سال خدمت و فعالیت در زمینه مدیریت پروژه‌های یو سی اف اصفهان و آب سنگین اراک، مدیر کل پادمان نظمن، مدیر کل امور پادمان، مدیر کل امور ایمنی بازنشسته شد.

## ■ رضانجفی

رضا نجفی سفیر و نماینده دائم ایران در آژانس

بین‌المللی انرژی اتمی نیز که در آن دوران در مذاکرات حضور داشت، پس از پایان ماموریتش در خرداد ۱۳۹۷ به تهران بازگشت و در حال حاضر مدیر کل صلح و امنیت بین‌المللی وزارت امور خارجه است.

## ■ اسحاق آل حبیب در نیویورک

البته «اسحاق آل حبیب» مدیر کل وزارت انرژی هم که در این دور از مذاکرات حضور داشت، به عنوان سفیر و معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل به نیویورک رفت و در حال حاضر در آنجا مشغول به فعالیت است.

گفتنی است در طول مذاکرات به تدریج اعضای دیگری به تیم مذاکراتی و هیات کارشناسی نیز افزوده شدند.

## ■ بقایای هامانه به ژنو رفت

در همین خصوص «اسماعیل بقایای هامانه» که بعد از حمید بعیدی‌نژاد عهده‌دار ریاست هیات کارشناسی در مذاکرات شد، در حال حاضر به عنوان سفیر و نماینده ایران در مقر اروپایی سازمان ملل در شهر ژنو مشغول به فعالیت است. اسماعیل بقایای هامانه پیش از این، عضو تیم مذاکره‌کننده مذاکرات هسته‌ای سازمان با ۵+۱ و پس از آن، دبیر ستاد اجرای برجام در وزارت امور خارجه بود. بقایای هامانه سابقه فعالیت در دفتر نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در نیویورک و تجربه عضویت و ریاست کمیته حقوقی (کمیته ششم) مجمع عمومی سازمان ملل را نیز در کارنامه حرفه‌ای خود دارد. او تیر ماه ۱۳۹۷ به پیشنهاد وزیر خارجه و تأیید رئیس‌جمهور، به عنوان نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو تعیین شد.

## ■ بهزاد صابری

بهزاد صابری نیز دیگر از اعضای تیم مذاکره‌کننده کشورمان نیز که قبل از این دستیار عراقچی معاون سیاسی وزارت خارجه بود، به عنوان مشاور وزیر امور خارجه منصوب شده است. صابری پیش از این عضو نمایندگی دائم کشورمان نزد دفتر سازمان ملل متحد در وین و سرپرست اداره دعای و حقوق بین‌الملل خصوصی در وزارت امور خارجه بوده است.

## ■ سادات میدانی

«سیدحسین سادات میدانی» یکی دیگر از اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای که در تیم حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرونده شکایت ایران از آمریکا در دیوان لاهه نیز حضور داشته، به عنوان رئیس دبیرخانه ستاد پیگیری اجرای برجام در معاونت سیاسی وزارت امور خارجه و جانشین اسماعیل بقایای هامانه است.

علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی و بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان هم که در سمت‌های خود مشغول به فعالیت هستند.

«پژمان رحیمیان» از دیگر اعضای تیم هسته‌ای، هم تیر ماه ۱۳۹۵ از سوی صالحی به عنوان مدیرعامل شرکت تولید مواد اولیه و سوخت هسته‌ای ایران و معاون این سازمان منصوب شد.



## کدخدای محوری روحانی، از سعدآباد تا وین

• سجاد فخرایی •

”

سعدآباد) می‌نویسد:

«یکی از مشکلات ما این بود که برخی از مسئولین کشور باور نمی‌کردند که اروپا به تنهایی قادر به حل کامل مسئله نیست. ما می‌گفتیم توان اروپا هم در آژانس و هم در شورای امنیت محدود است و حتی برای تضمین امنیت خودش نیز محتاج آمریکا است. اروپایی‌ها حتی نتوانستند یک هواپیمای ایرباس را بدون هماهنگی با آمریکا به ما بفروشند. به عبارتی اروپایی که قادر نیست هواپیمای ساخت خودش را به ما بفروشد، چگونه می‌تواند تضمین امنیتی ارائه دهد؟! سیاست نظام هم بر اصل عدم مذاکره با آمریکا بود.» (صفحات ۳۲۹-۳۲۸)

روحانی در بخش دیگری از کتاب خاطرات خود تأکید می‌کند که اروپایی‌ها قدرت دست‌دوم جهان هستند و توافق با آمریکایی‌ها راحت‌تر است. روحانی می‌نویسد: «در مورد مذاکره با آمریکا در زمینه هسته‌ای بحث‌هایی وجود داشت که در نهایت مورد موافقت قرار نگرفت. استدلال موافقان این بود که در ماجرای افغانستان و عراق، با آمریکا مذاکره کرده‌ایم. درست است که با حضور نماینده سازمان ملل بود پس سومین مورد آن هم می‌تواند موضوع هسته‌ای باشد و از آنجا که اروپایی‌ها قدرت دست‌دوم جهان هستند، لذا ممکن است راحت‌تر بتوانیم با آمریکایی‌ها به توافق برسیم. استدلال مخالفان نیز این بود که به صداقت آمریکا نمی‌توان اطمینانی داشت؛ چه اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره علیه نظام فعال بوده است. در جلسه سران هم این موضوع مورد بحث قرار گرفت، اما در نهایت گزینه اروپا تصویب شد.» (۱۶۰-۱۵۹)

روحانی در کتاب خاطرات خود آورده است که برخی از اعضای تیم مذاکره‌کننده ایران، نظرشان مذاکره با آمریکا بوده است.

وی در این رابطه می‌نویسد: «در حوزه کلان، برخی اعضای تیم هسته‌ای از ابتدا معتقد بودند مسئله هسته‌ای بدون ورود آمریکا به حل و فصل نهایی نمی‌رسد و

دکتر روحانی از اول انقلاب تا به حال سال‌ها در مهمترین مراجع تصمیم‌گیر، تصمیم‌ساز و همچنین اجرایی جمهوری اسلامی قرار داشته است. در بحث مذاکرات با اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها نیز همیشه جزو نفرات اصلی مذاکره‌کننده بوده است. حسن روحانی در مذاکرات ایران با تروئیکای اروپایی در دولت اصلاحات تأکید داشت که اروپایی‌ها قدرت دست‌دوم جهان هستند، اما پس از کناره‌گیری واشنگتن از برجام گفت که موجود مزاحم رفت.

در مهرماه ۱۳۸۲ توافق سعدآباد بین ایران و تروئیکای اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) منعقد شد. در تیرماه ۱۳۹۴ نیز توافق برجام میان ایران و ۵+۱ امضاء شد. نکته قابل تأمل این است که نفرات اصلی ایران در هر دو توافق، مشترک بودند. نکته دیگر اینکه این دو توافق به اذعان اعضای تیم مذاکره‌کننده ایرانی به یک نتیجه مشترک ختم شد و آن «دستاورد تقریباً هیچ» برای ایران بود. در حقیقت تاریخ دوباره تکرار شد.

اردیبهشت ۱۳۹۲ (یک ماه مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری) آقای حسن روحانی در جمع دانشجویان صنعتی شریف گفت: «اروپایی‌ها آقا اجازه هستند و آمریکا کدخداست؛ بستن با کدخدا راحت‌تر است.»

اما این اولین بار نبود که روحانی در خصوص آقا اجازه بودن اروپایی‌ها و اولویت مذاکره مستقیم با آمریکا سخن می‌گفت.

وی در زمان تصدی دبیری شورای عالی امنیت ملی و در دوره مذاکرات با تروئیکای اروپایی (۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴) نیز اظهارات مشابهی را بیان کرده بود.

در این جا به بخشی از کتاب خاطرات حسن روحانی و موضع‌گیری‌هایش اشاره می‌کنیم

دکتر روحانی در کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» (خاطرات توافق

همان طور که جان کری گفته بود و او بامان نیز تاکید کرده بود، ماموریت ترامپ بر مبنای مقابله با قدرت موشکی و توان منطقه‌ای ایران طراحی شد. ترامپ از عدم تغییر رفتار منطقه‌ای و کوتاه نیامدن ایران از توان موشکی عصبانی شد و در نهایت به دلیل ناکام ماندن در امتیازگیری بیشتر از ایران، ژست طلبکار به خود گرفت و از برجام خارج شد.

اما خروج ترامپ از برجام در حالی صورت گرفت که پیش از آن به اذعان رسانه‌های منطقه‌ای از اروپا برای فشار به ایران تضمین گرفته بود و از سمت دیگر، موگرینی نیز برای ماندن ایران در برجام از روحانی تضمین گرفته بود؛ مسئله‌ای که عراقچی نیز آن را تایید کرد و با جمع‌بندی این موارد، آمریکا از برجام خارج شد.

اما نکته مهم این است که انتظار افکار عمومی این بود که تجربه توافق سعدآباد (در خصوص مذاکره با اروپایی‌ها) و تجربه برجام (در خصوص مذاکره با آمریکا) دولت آقای روحانی را به یک تصمیم مهم و بزرگ برساند، اما در کمال تعجب آقای روحانی اعلام کرد که «یک موجود مزاحم از برجام رفت» و سپس تصریح کرد که «برجام منتهای آمریکا» را با دیگر اعضای ۵+۱ و از جمله اروپا ادامه می‌دهیم.

در صنعت هسته‌ای بتن ریخته شد و حدود ۵ سال زمان و سرمایه‌های عظیم کشور هزینه شدند تا از «روپا آقا اجازه است و بستن با کدخدا راحت‌تر است» برسیم به «آمریکا موجود مزاحم است و با اروپا ادامه می‌دهیم» و این یعنی می‌خواهیم، بدون توجه به عبرت‌های برجام، دوباره به سراغ تکرار تجربه شکست‌خورده توافق سعدآباد برویم!

کارشناسان امر در واکنش به این اقدام آقای روحانی تاکید کردند که سیاستی که یک روز با اروپا مذاکره شود برای مقابله با آمریکا و روز دیگر چهره کثیف آمریکا را بزرگ کنند برای اینکه مذاکره با وی را شروع کنند و برجام راه بیندازند و روز دیگر کدخدا را مزاحم تلقی کرده و مجدداً مذاکره با اروپا را در دستور کار قرار دهند، ناشی از یک دیپلماسی متزلزل و ضعیف است، تضمین‌کننده منافع ملی ایران نیست و اصلاً کار گشایی برای ملت ایران ندارد، یعنی هم چرخ زندگی مردم را از کار انداخت و هم چرخ صنعت هسته‌ای را مختل کرد.

پرزیدنت روحانی در مذاکرات ایران با تروئیکی‌های اروپایی در دولت اصلاحات تاکید داشت که اروپایی‌ها قدرت دست‌دوم جهان هستند و توافق با آمریکایی‌ها راحت‌تر است.

وی در ابتدای مذاکرات برجام نیز تاکید داشت که اروپایی‌ها آقا اجازه هستند و آمریکا کدخداست و بستن با کدخدا راحت‌تر است.

در هفته‌های اخیر، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا صراحتاً اعلام کرد که در خصوص تعهدات برجامی خود به ایران تضمین نمی‌دهیم. سران کشورهای فرانسه، انگلیس و آلمان نیز صراحتاً اعلام کرده‌اند که به خاطر ایران مقابل آمریکا نمی‌ایستند و عزمشان برای حفظ توافق هسته‌ای، در راستای منافع آمریکاست و درباره برنامه موشکی ایران و موضوعات منطقه‌ای، اختلافی با آمریکا ندارند و نخواهند داشت.

همان افرادی که دیروز همزمان با عهدشکنی‌های گسترده آمریکا در برجام تاکید داشتند که «امضای کری تضمین است» و «آمریکا به واسطه یک توافق اعتبار بین‌المللی خود را خدشه‌دار نمی‌کند» و «اروپایی‌ها آقا اجازه هستند و آمریکا کدخداست؛ بستن با کدخدا راحت‌تر است» و «ما به مذاکره با آمریکا خوش بین هستیم» پس از ناکامی در خوش‌بینی به آمریکا، حالا به اروپای آقا اجازه به تعبیر مقامات ارشد دولت آقای روحانی دل خوش کرده‌اند.

امید بستن به اروپایی‌ها برای در امان ماندن از تهدیدهای آمریکا، افتادن از چاله به چاه و به عبارتی در دام شغال افتادن از هراس چنگ و دندان نشان دادن گرگ است. بزرگترین قدرت انقلاب اسلامی قدرتی است که اتکالی به ذات اقدس‌الله دارد. برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی باید از دیپلماسی اقتدار، دیپلماسی عزت، دیپلماسی استقلال و مصلحت که نشأت گرفته از دیپلماسی انقلاب اسلامی و گفتمان توحیدی است استفاده شود.

علت مشکلات در دولت دکتر روحانی نگاه غیر توحیدی دولت که راهبرد برون‌رفت از مشکلات کشور را بستن با کدخدا و نوچه‌هایش و همچنین نگاه به بیرون می‌داند است.

تا زمانی که ما نگاهمان به کدخدا و نوچه‌هایش باشد نتیجه خسارت محض برای ملت ایران است.

من حیث المجموع این نگاه کدخداجوری از مذاکرات وین تا مذاکرات برجام شکسته خورده و امتحان شده است و نباید دوباره تکرار شود.

اروپایی‌ها نمی‌توانند به تنهایی آن را حل کنند. انگلیسی‌ها هم از ابتدا می‌گفتند در نهایت امر، روزی که مسئله بخواهد به صورت نهایی حل و فصل شود، باید آمریکا هم وارد بحث شود. البرادعی هم می‌گفت باید آمریکا را وارد کنیم» (۳۴۹)

آقای روحانی در بخش دیگری از کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» تصریح می‌کند که پس از مذاکره با آقای شرورد، صدراعظم وقت آلمان، خطاب به هیئت همراه می‌گوید: «ظاهراً مذاکره با اینها فایده‌ای ندارد، باید با رئیس اینها مذاکره کنیم» (۴۰۶)

همانطور که مشخص است، حسن روحانی در مذاکره با تروئیکی‌های اروپایی در دولت اصلاحات تاکید داشت که اروپایی‌ها قدرت دست‌دوم جهان هستند و توافق با آمریکایی‌ها راحت‌تر است. یعنی دقیقاً همان آقا اجازه بودن اروپا و کدخدا بودن آمریکا که در سال ۱۳۹۲ به آن اشاره کرد.

راهبرد مذاکره مستقیم با آمریکا در دولت یازدهم و در موضوع هسته‌ای اجرا شد. علی‌اکبر صالحی (فروردین ۹۷) گفت: «ما در مذاکرات هسته‌ای دولت یازدهم، با آمریکا مذاکره می‌کردیم نه مجموعه ۵+۱». تعداد دیدارهای دوطرفه «محمدجواد ظریف» و وزیر خارجه ایران و «جان کری» و وزیر خارجه وقت آمریکا در مذاکرات هسته‌ای به حدی زیاد بود که تعجب رسانه‌های خارجی را نیز در پی داشت.

مذاکره مستقیم با آمریکا تا جایی پیش رفت که پیاده‌روی ۱۵ دقیقه‌ای ظریف و کری در ژنو، مکالمه تلفنی ۱۵ دقیقه‌ای روحانی با او بامان و دست دادن ظریف و او بامان در صحن سازمان ملل نیز به آن افزوده شد.

روحانی پس از مکالمه تلفنی با رئیس‌جمهور وقت آمریکا در اظهار نظری عجیب گفت که او بامان را فردی مودب و باهوش می‌بیند!

پس از این ارتباطات بی‌سابقه در طول تاریخ انقلاب اسلامی، روحانی «حمید ابوطالبی» معاون سیاسی دفتر خود را به عنوان نماینده ایران در سازمان ملل (نیویورک) معرفی کرد.

اما پاسخ دولت او بامانی باهوش (۱) و مودب (۱) بسیار در دناک بود. در حالی که روحانی در انتخابات مدعی شده بود که اعتبار پاسپورت ایرانی را باز خواهد گرداند، دولت او بامان در اقدامی گستاخانه‌سفر ویژه و مخصوص روحانی را ترور یست نامید و با وجود همه تلاش‌ها حاضر نشد برای ابوطالبی ویزا صادر کند!

اما حماقت و بی‌شرمی او بامانی دموکرات به همین جا ختم نشد. وی قانون تحریمی آیسا (ISA) را تمدید کرد؛ اقدامی که دولت‌مردان از آن با عنوان «تقاض فاحش برجام» نام بردند. او بامان قانون وضعیت اضطراری علیه ایران را نیز تمدید کرد و قانون محدودیت ویزا را نیز امضا کرد و در نهایت ۲ میلیارد دلار از اموال مردم ایران را نیز غارت کرد تا هوش و ادب را به پرزیدنت روحانی اثبات کند.

در همان مقطع خبرگزاری آسوشیتد پرس در گزارشی نوشت: «شکرت‌ها و بانک‌های بین‌المللی از وزارت خزانهداری آمریکا خواسته‌اند با صدور یک دستورالعمل مکتوب به تشریح قواعد و قوانین تعامل با ایران بپردازد؛ ولیکن دولت آمریکا به عمد از صدور هرگونه سند مکتوب در این باره امتناع کرده است. بنابراین شرکت‌هایی که قصد ورود به ایران را دارند فعلاً در این باره دست نگه داشته‌اند».

باراک او بامان (دی‌ماه ۱۳۹۵) در سخنرانی خداحافظی خود در شیکاگو با افتخار اعلام کرد که برنامه هسته‌ای ایران را بدون شلیک یک گلوله متوقف کرده است.

جان کری (دی‌ماه ۱۳۹۵) در یادداشتی که به مناسبت نزدیک شدن به روزهای پایانی حضور در کابینه آمریکا نوشته بود، تاکید کرد: «مذاکرات با تهران برای عقب نشاندن ایران از توان هسته‌ای، به نتیجه رسید و حالا دولت بعدی آمریکا باید ضمن ادامه اعمال فشار بر ایرانی‌ها، برای عقب‌نشاندن برنامه موشکی ایران تلاش کند».

پیش از آن نیز او بامان (فروردین ۹۵) در کنفرانس خبری نشست امنیت هسته‌ای در واشنگتن گفته بود: «روح توافقی هسته‌ای و شرط بر خورداری ایران از امتیازات اقتصادی، کنار گذاشتن توانایی موشکی و قطع کمک به جبهه مقاومت در منطقه از سوی تهران است».

بعد از او بامانی دموکرات، ترامپ جمهوریخواه بر سر کار آمد. او از همان روح برجامی سخن گفت که او بامان به آن اشاره کرده بود. ترامپ همان تحریم ویزایی را علیه ایران به اجرا گذاشت که زیرساخت قانونی آن را دولت او بامان مهیا کرده بود.

دونالد ترامپ در ادامه قانون تحریمی آیسا در دولت او بامان، قانون کاتسا ۲۰۱۷ (مشهور به سیاه‌چاله تحریم‌ها) را امضا کرد.

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه تیرماه ۱۳۹۷ گفت: «آمریکا از ابتدا با انقلاب، نظام و ملت مادشمنی داشته، دارد و خواهد داشت، جمهوریخواه و دموکرات هم ندارد، بلکه روش‌های آن‌ها متفاوت است».

# یک متن یک قرارداد

علی عسگری

مقدمه:

بعد از روی کار آمدن دولت حسن روحانی و شعارهای حل و فصل اختلافات توسط وی مذاکرات هسته‌ای از سر گرفته شد. بعد از انجام سه دور مذاکرات در لوزان - ژنو - وین نهایتاً برجام در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) به تصویب رسید. بعد از تصویب توافقنامه برنامه جامع اقدام مشترک در شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۲۲۳۱ تصویب شد که طی آن همه شش قطعنامه قبلی ملغی شد. تفاوت این قطعنامه با قطعنامه‌های دیگر این بود که ایران هرگز شش قطعنامه قبلی را نپذیرفته بود اما این قطعنامه شش قطعنامه قبلی را در خود داشت و با خروج ایران از برجام به طور خودکار همه آنها قابل برگشت بود و ایران آن را پذیرفته بود!



## مشخصات ظاهری برجام:

برجام شش جز دارد و پنج ضمیمه و دارای حدود ۱۱۰ صفحه است که در وین اتریش تصویب و به توافق هسته‌ای مشهور شد. براساس این توافقنامه ایران ذخایر اورانیوم غنی شده متوسط خودش را پاکسازی خواهد کرد و ذخیره سازی اورانیوم با غنای کم را تا ۹۸ درصد قطع می‌کند. تعداد سانتریفیوژها را حدود دو سوم و حداقل به مدت ۱۵ سال کاهش می‌دهد، تا ۱۵ سال بعد ایران موافقت کرده است که اورانیوم را بیش از ۳.۶۷ درصد غنی سازی نکند یا تاسیسات غنی سازی اورانیوم جدید نسازد (راکتور آب سنگین منظور است). بررسی تمامی متن برجام به علت گسترش و تعداد صفحات بالای آن از حوصله متن ما خارج است و نمی‌توانیم به تک تک موارد اشاره کنیم. فقط به چند بخش از آن اشاره می‌کنیم و قضاوت را به خوانندگان واگذار می‌کنیم.

## ۱ تعهدات طرفین ذیل برجام:

در این بخش یک نمونه از متن‌های برجام را به طور مقایسه‌ای می‌آوریم. لحن صراحت‌آمیز درباره تعهدات ایران و ابهامات فراوانی در مورد تعهدات طرف‌های دیگران وجود دارد. دو نمونه از این تعهدات که ذیل پیوست ۱ برجام بند سوم درباره راکتور آب سنگین اراک به آن اشاره شده، به این شرح است:

«۳. ایران به ساخت و ساز راکتور ناتمام موجود بر مبنای طرح اولیه ادامه نخواهد داد و کالندریای (قلب) راکتور موجود را خارج کرده و آن را در ایران نگهداری می‌کند. تمام منافذ و ورودی‌های کالندریا با بتن به گونه‌ای پر می‌شود که آژانس بتواند غیر قابل استفاده بودن آن را برای کاربرد هسته‌ای در آینده راستی‌آزمایی کند. برای طراحی مجدد و بازسازی راکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک، ایران از زیرساخت‌های موجود در راکتور آب سنگین اراک بیشترین استفاده را خواهد داشت.

این بخش به طور صریح و بی‌ابهام تعهد ایران نسبت به برجام را نشان می‌دهد. در صورتی که طی پیوست ۲ چگونگی لغو تحریم‌های اتحادیه اروپا به شرح زیر است:

• نظام ممنوعیت و اخذ مجوز حاکم بر نقل و انتقال مالی به یا از ایران (ماده ۱۰) تصمیم CFSP/۲۶۷/۲۰۱۲ شماره اجرایی نامه ائین ۳۰، ۳۱، a, 30b مواد شورا؛ ۲۰۱۰/۴۱۳/CFSP شورای اتحادیه اروپایی؛ تحریم‌های مربوط به فعالیت‌های بانکی (ماده ۱۱) تصمیم CFSP/۴۱۳/۲۰۱۰؛ ماده ۳۳ آیین‌نامه اجرایی شماره ۲۶۷/۲۰۱۲ شورای اتحادیه اروپایی)

نیاز به تخصص ویژه‌ای است و با یک نگاه کلی ما را به ده نوع آیین‌نامه اجرایی

حواله می‌دهد که هر کدام دارای روال اجرایی خاصی است. در صورتی که تعهدات ما به طور صریح مشخص است.

## ۲ ساختار حل اختلاف:

در ادامه گزارش کمیسیون ویژه برجام درباره قبول داوطلبانه پروتکل الحاقی قبل از تصویب برجام در مجلس جالب توجه است:

• «کمیسیون برجام، صدور قطعنامه ۲۲۳۱ را قبل از تصویب برجام در مجلس شورای اسلامی یا حداقل رفع موانع قانونی آن در خصوص قبول داوطلبانه پروتکل الحاقی به عنوان یک نقطه ضعف جدی در مسیر مذاکرات هسته‌ای ۲ سال گذشته ارزیابی کرده است. دولت اعلام کرده است که به برخی از بخش‌های کلیدی این قطعنامه که متزلزل کننده حوزه‌های دفاعی و امنیتی است، پای بند نخواهد بود که کمیسیون از آن حمایت می‌کند. البته این امر چیزی از بار حقوقی الزامات این قطعنامه برای کشور کم نمی‌کند.»

نکته تعجب برانگیز تر آن، در مورد مکانیسم‌های داوری برجام است. در واقع این مکانیسم‌ها عمداً ضد ایران نوشته شده؛ چرا که نه تنها این متن فاقد اعتبار حقوقی بوده و در هیچ دادگاهی قابل پیگرد نیست، بلکه ایالات متحده آمریکا با خروج از برجام هیچ مجازات یا خلا حقوقی در هیچ بعدی برای او رخ نداد. در این جا استنادی به گزارش کمیسیون ویژه برجام در مجلس نهم داریم:

• «کمیسیون پس از بررسی دقیق نظرات منتقدان و پاسخ‌های تیم مذاکره کننده به این نتیجه رسیده است که مکانیسم‌های داوری مندرج در قطعنامه ۲۲۳۱ و بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام به طور کاملاً واضح و عامدانه ضد ایران تنظیم شده و این مکانیسم‌ها عملاً برای ایران غیر قابل مراجعه است. جمع بندی کمیسیون این است که ایران در هیچ مراجعه‌ای به این مکانیسم‌ها برنده نخواهد بود و بنابراین عملاً نمی‌تواند به هیچ نقض کلی یا جزئی از سوی ۱+۵ نحوی واکنش نشان بدهد که منجر به هر خوردن توافق نشود.»

دقیقاً منظور از ساختار حل اختلاف همان مکانیسم ماشه است که متأسفانه آمریکا با خروج خود از برجام هم از آن استفاده کرد و یک بار دیگر همه به قوانین بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، لبخند تمسخر آمیزی زدند. عضوی که داخل یک توافق نیست و از آن استفاده می‌کند. البته اروپایی‌ها به دلیل ملاحظات خود با آمریکایی‌ها همراهی نکردند اما موافق ما هم نبودند. باید توجه داشت هر یک از اعضای ۱+۵ قادر خواهند بود در هر لحظه این مکانیسم را فعال کنند و بعد از ۱۵ روز مشورت کمیسیون مشترک، در صورت به نتیجه نرسیدن تا ۳۰ روز، گزارش به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع می‌شود و همه قطعنامه‌های قبلی که ذیل





قطعنامه ۲۲۳۱ جمع شده‌اند فعال می‌شوند.

از دیگر نکات تعجب برانگیز برجام این است که مرجع تاییدکننده اقدامات ایران و نظارت بر حسن انجام آن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است؛ اما در مقابل کشورهای ۵+۱ هیچ مرجع نظارتی بر اقدامات و تعهدات آنها وجود ندارد. این عمل یک‌طرفه در بیشتر نقاط برجام مشهود است و نوعی نگاهی از بالا به پایین دارد؛ در حالی که طبق اصل ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی «هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.»

### ۳ ایران کشوری استثنایی:

با توجه به متن برجام، ایران نسبت به دیگر کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، کشوری استثنایی تلقی می‌شود.

● «ک- کلیه مفاد و اقدامات مندرج در این برجام صرفاً برای اجرای آن بین گروه ۵+۱ و ایران می‌باشد و نمی‌بایست به منزله ایجاد سابقه برای هیچ دولت دیگری، یا برای اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و حقوق و تعهدات وفق معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و سایر اسناد مربوطه، و همچنین اصول و رویه‌های شناخته‌شده بین‌المللی تلقی شود.»

با توجه به بند (ک) مقدمه برجام، ایران در حوزه هسته‌ای کشوری است که از نظر حقوق و تکالیف بازرسی هسته‌ای استثنایی است. همانطور که بارها آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده شفاف‌ترین برنامه هسته‌ای را ایران داراست.

### ۴ نامه سناتورهای جمهوری خواه قبل از امضای قرارداد:

این نامه توسط ۴۷ سناتور جمهوری خواه به سازماندهی تام کاتن جمع‌آوری شد و برای مسئولین جمهوری اسلامی ایران در ۹ مارس ۲۰۱۵ فرستاده شده. هدف این نامه خلل در مذاکرات هسته‌ای از جانب دموکرات‌ها اعلام شد. از طرف دولت ایران هم خلل در مذاکرات و بحث‌های جناحی جمهوری خواهان با دموکرات‌ها مطرح شد، و محمدجواد ظریف اعلام کرد: «اگر با یک امضاء هم از برجام خارج شوند چه کسی در دنیا گوش خواهد داد و چه کسی به حرف آمریکا عمل خواهد کرد.»

صد البته که روایت درست‌تر در نامه بود و آن اتفاق (خروج آمریکا از برجام) در اردیبهشت ۹۷ رخ داد.

بخشی از این نامه را در اینجا می‌خوانیم:

● با مشاهده مذاکره هسته‌ای شما با دولت ما، احساس کردیم که شاید شما سازوکار قانونگذاری ما را کاملاً درک نکرده‌اید... هر چیزی که توسط کنگره تصویب نشود تنها یک توافق اجرایی است. رئیس‌جمهور بعدی می‌تواند چنین توافقی را با حرکت یک خودکار لغو کند و کنگره‌های بعدی می‌توانند مفاد توافق را در زمانی تغییر دهند.

نکته قابل توجهی که در این نامه اشاره شده همین امضاء و به قول آقای روحانی خط‌خطی مردک تاجر بود اما چرا به نصیحت‌های دشمن هم گوش ندادند!؟

### نتیجه:

همیشه انجام هر نوع توافق بهتر از عدم توافق نیست. این به تجربه ثابت شد.

فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ

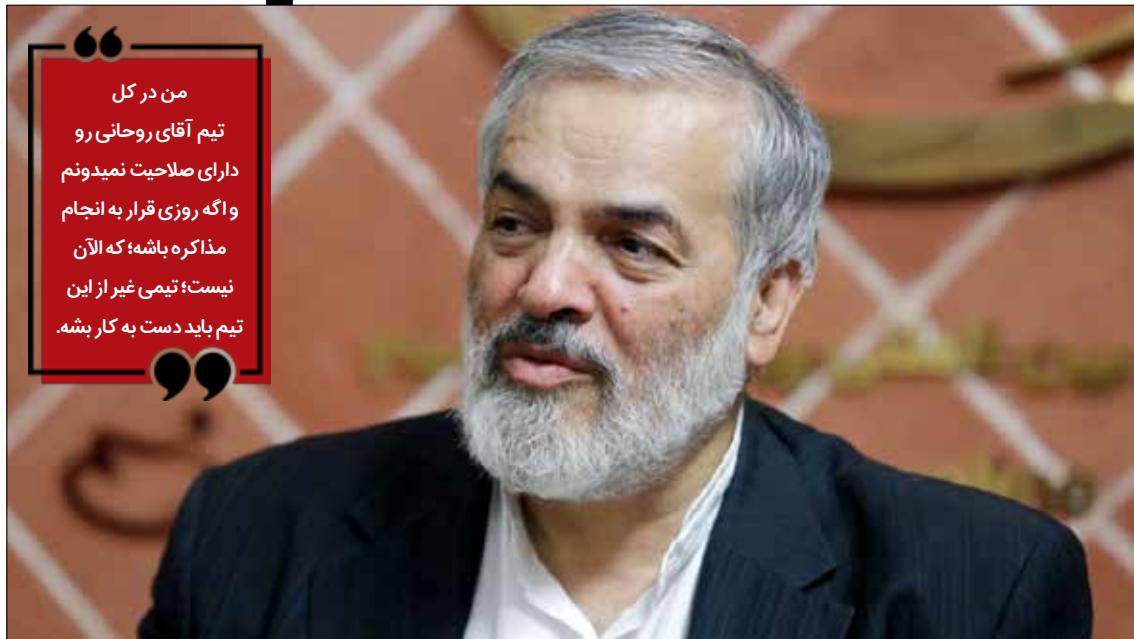


### منابع:

۱. متن برجام: پیوست ۱- بند سوم
۲. متن برجام: پیوست ۲- بند ۱-۱ (تدابیر بیمه و مالی) شماره ۱-۱
۳. گزارش کمیسیون ویژه برجام مجلس شورای اسلامی (۱۳ مهر ۱۳۹۴): درباره ساختار حل و اختلاف و نظام بازرسی‌ها
۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی: اصل ۱۵۳
۵. متن برجام: بخش مفاد عمومی و مقدمه، بخش (ک)
۶. نامه: ۴۷ سناتور جمهوری خواه مجلس سنا آمریکا در ۹ مارس ۲۰۱۵

# من تیم مذاکره‌کننده آقای روحانی را دارای صلاحیت نمی‌دانستم

بررسی عملکرد تیم روحانی در مذاکرات



دکتر محمدحسن قدیری ایبانه • دکترای علوم استراتژیک با گرایش مدیریت استراتژیک • سفیر سابق در مکزیک و استرالیا

من در کل  
تیم آقای روحانی رو  
دارای صلاحیت نمیدونم  
و اگه روزی قرار به انجام  
مذاکره باشه؛ که الان  
نیست؛ تیمی غیر از این  
تیم باید دست به کار بشه.

ستاد ۵۹۸ عرض می‌کنم که زمان جنگ آقای روحانی اصرار داشت که ما ارونرود را ببخشیم به عراق و تمامیت ارضی مان را بدیم برود؛ که آقای ولایتی قبول نکرد و کار به حضرت امام (ره) رسید. امام هم قبول نکرد. ویژگی مهم آقای روحانی و ظریف دادن امتیاز بدون گرفتن آن است و با حسن نیت اگه نگاه کنیم اینها مرعوب و مجذوب غرب هستند و حکم عاشقی را دارند که عیب معشوق را اصلا نمی‌بینند.

## ●● شما عمده تفاوت و اشتراک تیم‌های مذاکره‌کننده ما، از تیم آقای روحانی تا تیم آقایان جلیلی، لاریجانی و ولایتی را در چه می‌دانید؟

آقای ولایتی تلاش کرد خیره‌ترین افراد را به کار بگیرد و کارشناسان زنده‌ای را در مسائل مختلف به کار گرفت تا در مذاکرات مشکلی پیش نیاید؛ در حالی که آقای ظریف بر این باور بود که تعامل با آمریکا، بزرگترین دستاورد خواهد بود و ایشان می‌توانند با این مذاکرات، نامشان را در تاریخ ثبت کنند و می‌خواستند که این افتخار نصیب جمع معدودی بشود. تاجایی که توانستند از پذیرش افراد متخصص و کارشناسان اجتناب کردند و حتی چند نفری که بعدا به تیم اضافه شدند جاسوس از آب درآمدند و این نقطه ضعف بزرگی بود. در حالی که امریکایی‌ها با ۴۰۰ الی ۵۰۰ کارشناس پای میز آمده بودند.

بنده یادم هست که آن زمان، در رسانه‌های اصلاح طلب آقای ظریف را با مصدق مقایسه می‌کردند. بله؛ آقای ظریف با مصدق یک سری تشابهات داشت و یک سری

## ●● لطفا مزایا و معایب برجام را نام ببرید.

از سال ۹۲ که آقای روحانی مسئله مذاکره و تعامل با امریکا را مطرح کردند، من می‌گفتم این شعار، شعار غلطی است و با این قضیه مخالف بودم. هیچوقت هم برجام را تایید نکرده‌ام و بارها در طول مذاکرات عنوان کرده‌ام که باید ضمانت بگیریم اما اینها به امریکا و دشمن اعتماد داشتند. دولت توانست با تبلیغات گسترده وانمود کند که مذاکره، بده‌بستان است و با مذاکره می‌توان مشکلات را برطرف کرد. حتی در سال ۹۲ کسانی از این صحبت‌ها می‌کردند که در نظام دارای مسئولیت بودند؛ مثل آقای رضایی و ولایتی و... خوب با وجود اینها، این شبهه برای مردم ایجاد شد که نکنند با مذاکره می‌توان مشکلات را برطرف کرد و ما این کار را نمی‌کنیم. بعد رهبری بحث نرمش قهرمانانه را مطرح کردند. اعتقاد من این است که حضرت آقایان اجازه را دادند تا افکار عمومی روشن بشود و مردم بفهمند که امریکا غیرقابل اعتماد است. چون دستگاه دیپلماسی ما خطوط قرمز تعیین شده رهبری را رعایت نکرد، برجام از ابتدا به ضرر ما بود. یعنی امتیازات زیادی به غربی‌ها و امریکایی‌ها داده شد و در مقابل چیزی گرفته نشد. نه تنها امتیازی گرفته نشد بلکه هم در دوره اوباما و هم در دوره ترامپ تحریم‌ها تشدید هم شد.

من در کل تیم مذاکره‌کننده آقای روحانی را دارای صلاحیت نمی‌دانم و اگر روزی نیاز باشد با مذاکره مشکلی را حل کرد، که الان نیازی نیست، تیمی غیر از این تیم، باید برای مذاکره برود. تیمی باید برای مذاکره برود که دشمن را بشناسد و مجذوب و مرعوب دشمن نباشد. حتی بایدن هم که بیاید قطعا دنبال مذاکره و این حرفا می‌آید که با وجود آقای روحانی و ظریف حتما می‌تواند کلاه گشادی سرمان بگذارد. من به عنوان عضو



لیست ترور دشمن قرار داشت. قرار بود تحریم‌های هواپیمایی ما برداشته بشود که بتوانیم لوازم یدکی بخریم، امریکایی‌ها این سوال را مطرح کردند که شما در این مدت این قطعات یدکی را چطور تهیه می‌کردید؟ آقایان هم اطلاعات را در اختیارشان قرار دادند و در نتیجه این راه را بستند بر ما. الان هم اصرار دارند که FATF را امضا کنیم. یکی از شرط‌های FATF برای اینکه ایران را از لیست خاکستری وارد لیست سفید شود، این بود که ایران اعلام کند در این مدت چطور تبادلات ارزی را انجام می‌داده؟ اگر با حس نیت نگاه کنیم، آقایان برای اینکه ما را بذارند در لیست سفید، هر چه اطلاعات در این زمینه بود در اختیار دشمنان قرار دادند و مشخصات صرافی‌هایی که در سراسر دنیا کار دور زدن تحریم‌ها را انجام می‌دادند در اختیار آنها قرار دادند و آنها هم اموال خیلی از اینها را مصادره کردند و این راه را هم بر ما بستند. FATF جاسوسی گسترده و آنلاین و نامشروع است.

به طور کلی برجام نه تنها باعث رشد اقتصادی ما نشده حتی در خیلی جاها باعث بدتر شدنش هم شده. دولت مدام وعده می‌داد که برجام گشایش ایجاد می‌کند و ... وعده‌های آقای روحانی موجب شد که اگر فردی می‌خواست کار اقتصادی را شروع کند، معطل شد تا برجام به نتیجه برسد و همین امر موجب رکود اقتصاد ما شد. کار خانجات تعطیل شدند و حتی ساخته نشدند و ...

### ●● جریان نفوذ را در امر مذاکرات و اقتصاد کشور ما چقدر موثر می‌دانید؟

ما دو جور نفوذ داریم. یکی نفوذ از این جهت است که کسی به عنوان جاسوس، در مباحث ما حضور پیدا کند، و نوع دیگر نفوذ هم اینکه، در ذهن فرد نفوذ کنند و ذهنیت او را تغییر دهند.

آقای مصلحی وزیر اطلاعات دولت گذشته گفت که در جریان فتنه ۸۸ افرادی از طرف دولت انگلیس را دستگیر کرده بودند که اعتراف کردند دولت انگلیس ۲۰۰ نفر را استخدام کرده که ذهنیت مسئولین ما را به سمت اتخاذ تصمیماتی که مطلوب غرب باشد سوق بدهند. در حالی که آن فرد فکر می‌کند این تصمیم، مطلوب کشور خودش است. لذا کسانی که دم از مذاکره می‌زنند دو گروه هستند؛ یک عده افرادی که جاسوس هستند و یک عده افرادی که از نظر ذهنی تحت تاثیر قرار گرفته‌اند. مثلاً آقای هاشمی‌رفسنجانی خیلی کارها برای گسترش صنعت دفاعی و موشکی ما انجام داد اما بعدها گفت که اصلاً عصر ما، عصر موشکی نیست! من معتقدم که در ذهن او نفوذ کردند. یکی از افرادی که در ذهن ایشان تاثیر گذاشت و توانست او را منحرف کند شخص آقای روحانی بود و البته گاهی هم فرزندان خود آقای هاشمی.

اختلافات. تشابه این دو این بود که هر دو دشمن نشناس بودند و به امریکا اعتماد داشتند؛ منتها آقای مصدق نفت را ملی کرد اما آقای ظریف صنعت هسته‌ای مان را هم بر باد داد. آقای جلیلی از این جهت که گرفتار جو و فضا نشد و امریکا را دشمن می‌دانست و از موضع اقتدار با آنها صحبت می‌کرد، خیلی خوب عمل کرد. اینکه مثلاً آقای جلیلی موقع نماز جلسه را ترک کند و برود که نماز بخواند برای غربی‌ها خیلی پیام بزرگی است که او نماز را به جلسه با آنها ترجیح می‌دهد. حتی سر اینکه این جلسه کجا برگزار شود هم تسلیم آنها نبود. با آقای جلیلی به جاهای خوبی هم رسیده بودیم که با روی کار آمدن آقای روحانی، موضع آنها هم تغییر کرد. آقای لاریجانی هم در مذاکرات نسبتاً خوب عمل کرد؛ هر چند که در ایامی که او مسئول مذاکرات بود به توافقی نرسیدیم که علتش هم این بود که امریکایی‌ها تسلیم نبودند. امریکایی‌ها قبل از فتنه ۸۸ آماده بودند که عقب‌نشینی کنند اما فتنه ۸۸ روالشان را تغییر داد و رفتند به سمت تشدید تحریم‌ها.

در مورد مذاکراتی که در زمان ریاست‌جمهوری آقای خاتمی انجام شد و آقای روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول هسته‌ای بود و آقای ظریف هم معاون وزیر و عضو تیم مذاکره کننده، آن موقع هم آنها سیاست وادادگی را داشتند و چیزی از عزت در مذاکرات مشاهده نمی‌شد و کلی اعتماد کاذب به غربی‌ها داشتند و کلی امتیاز دادند و چیزی نگرفتند. در آن زمان آقای روحانی این بحث را مطرح کردند که خط قرمز ما بردن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت هست و این حرف یعنی اگر می‌خواهید ما را تهدید کنید پرونده ما را به شورای امنیت ببرید. دشمن هم از این موقعیت استفاده کرد.

### ●● تاثیر برجام بر اقتصاد خرد و کلان ایران چه بود؟

به قول آقای لاریجانی ما در برجام کلی امتیاز دادیم و یک شکلات خروس قندی گرفتیم. جواب به این سوال دو حالت دارد؛ اگر برجام را طرف‌های غربی اجرامی کردند و تحریم‌های نفتی و بانکی ما معلق می‌شد، امتیازاتی برای ما وجود داشت اما این امتیازات، به اندازه امتیازاتی که ما به آنها دادیم، نبود. یکی از صحبت‌هایی که آقای کری و اوپاما انجام دادند، این بود که ما از طریق کسب اطلاعاتی که از برجام و بازرسی‌ها به دست می‌آوریم، اگر زمانی نیاز به حمله نظامی باشد ما می‌دانیم کجا را مورد حمله قرار بدهیم.

اینها در برجام اطلاعات زیادی را در اختیار دشمن قرار دادند؛ از جمله اطلاعات دانشمندان هسته‌ای ما را. طبق اطلاع موقت بنده، وزارت خارجه نامه نوشت به دانشگاه‌ها که اسامی اساتید هسته‌ای‌شان را بدهند و این اسامی را گرفتند و در اختیار دشمنان قرار دادند و شهید فخری‌زاده را مجبور کردند که با ماموران آژانس، که از ماموران سیا هستند دیدار داشته باشند. با اینکه شهید فخری‌زاده مدت‌ها بود که در





پرونده ویژه

# بخش خسارت‌های اقتصادی برجام در بیان دولت و...

• علی عسگری •

در این نوشتار کوتاه سعی در اشاره به برخی از مواضع مسئولین در تاخیر مجلس نسبت به تصویب برجام داریم.

۴

الف) حسن روحانی (رئیس جمهور) در همایش صنعت و تجارت سال ۹۴:  
«تاخیر در اجرای برجام برای اقتصاد مشکل ساز است.»



ج) اکبر ترکان

(معاون رئیس جمهور):

من درباره عملکرد نمایندگان محترم نمی‌توانم قضاوت کنم. متأسفانه تعداد کمی نمایندگان مجلس فکر می‌کنند این شیوه‌ها مؤثر است اما اگر همان نمایندگان بدانند که ۱۰۰ میلیون دلار در روز یعنی چه ضرری، قطعاً وارد حاشیه‌سازی برخی جریان‌های سیاسی نمی‌شوند. من بعید می‌دانم نماینده‌ای این ضرر را متوجه شود اما همچنان در دام حاشیه‌سازی‌های برخی جریانات مشخص قرار بگیرد. من امیدوارم چنین نماینده‌ای در کمیسیون برجام نباشد که این ضرر را متوجه شود اما همچنان بر حاشیه‌ها پای بفشارد.»

(۳۰ شهریورماه ۱۳۹۴)



ب) سیروس ناصری

(عضو سابق تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای)

در مصاحبه با اعتماد:

«روزانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار هزینه تاخیر در اجرای برجام می‌شود. با تاخیر ۲۲ روزه‌ای که در اجرای برجام تا به حال صورت گرفته است حالا ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار ضرر به کشور وارد شده است.» عضو سابق تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای صراحتاً می‌گوید که: «هر روز تاخیر در اجرای برجام میلیاردها دلار سود عاید کشورهایی می‌کند که به خاطر عملکرد آنها در منطقه، شهید می‌دهیم.»

(۱۹ مهرماه ۱۳۹۴)



ه) مسعود پزشکیان

(نایب رئیس اول مجلس دهم)

هم دو سال بعد از اجرای توافق هسته‌ای و در شرایطی که عیار آن برای همه روشن شده بود، با بیان اینکه تصویب برجام جلوی ضرر و زیان‌های بسیار زیادی را به کشور گرفت، تصریح کرد: «قبل از برجام هر روز از بابت تحریم‌ها ۱۰۰ میلیارد تومان متضرر می‌شدیم.»



د) محمد نهاوندیان (رئیس دفتر

رئیس جمهور در دولت یازدهم):

«هزینه مبادله‌ای که بر اقتصاد ما تحمیل شد در یک محاسبه سرانگشتی حداقل ۱۵ درصد در واردات و صادرات بوده. هزینه مبادله تجارت، سالانه حداقل ۱۵ میلیارد دلار می‌شود و این یعنی تحمیل ۱۳۰ میلیارد تومان هزینه در روز بر ملت ایران.»



“

با توجه به مواضع این مسئولین که قبل از تصویب ۲۰ دقیقه‌ای برجام گفتند و صحبت‌های آقای روحانی و ظریف مبنی بر بازگشت بایدن به توافقنامه برجام، آیا آمریکایی‌ها حاضر هستند ضرر نزدیک به ۱۰۰۰ میلیارد دلاری را که با حساب و کتاب همین مسئولین به دست می‌آید پرداخت کنند و بعد به برجام برگردند؟

”



# سازش، مذاکره و رستم ایران شهر

• رضا مهوشی •

بودند که راه پیروزی و عزت، مقاومت است. سپر سپرده حرف امامشان بودند که می گفت: «اگر آمریکا و اسرائیل «لاله الاله» بگویند، ما قبول نداریم... ما با هیچ کدام از ابر قدرت ها و قدرت ها سر سازش نداریم» (۲) پیر و مرادشان از دنیا رفت و جانشینش هم حقا مانند او بود و با صدای رسا فریاد می زد که «سازش با آمریکا مشکلات کشور را حل نمی کند، بلکه افزایش خواهد داد» (۳). اما زرق و برق سکه های معاویه شمشیرهای برخی از پیروان خسته از مقاومت را از حرکت بازداشت و گمان کردند سازش و مذاکره با کدخدایان جهان و معاویه های روزگار می تواند کمی از بار سختی ها و تحریم ها بردارد. آنها یادشان رفته بود که سازش و مذاکره چه بلایی در حکمیت و صلح امام حسن بر سر جامعه مسلمین آورده بود. همین هامدام بر سر امام جامعه فریاد می زدند که ای امیرا چرا اینقدر طالب جنگی؟ چرا همه را دشمن می پنداری؟ چرا زبان صلح با دنیا را بلند نیستی؟ رهبر روی منبر رفت و خطبه ای مفصل خواند و گفت: «مشکلات مادر مسائل مربوط به منطقه، در مسائل گوناگونی که داریم، در مشکلاتی که با آمریکا و امثال آمریکا داریم، با مذاکره حل نمی شود» (۴) اما برخی گفتند تو بی جهت بدبینی، امضای معاویه (شما بخوانید جان کری) پای این عهدنامه، تضمین است و شد آنچه شد.

تحریم ها برداشته نشد و فشارها بیشتر شد. اما گوی می هنوز کافی نبود تا همگان بفهمند که هزینه سازش با دشمن از هزینه مقاومت در برابر او بیشتر است. ترامپ عهدنامه صلح را پاره کرد تا بر همگان ثابت شود که اعتماد به دشمن یعنی شکست. زهر آکین ترین تیرا ما ۱۳ دی ماه توسط همان ترامپ که برخی سودای صلح و سازش با وی را در سر داشتند در چله کمان قرار گرفت و مالک اشتر علی را نشانه گرفت. همویی که تا پشت خیمه معاویه رفته بود و چند شمشیر بیشتر تا کور کردن چشم فتنه فاصله نداشت اما سازشکاران گفته بودند که تو آرام بگیر. ما زبان دنیا را بلندیم (۵) نه تو. دنیای امروز دنیای گفتمان است نه دنیای موشک و شمشیر (۶)

درخت مذاکرات با دشمن قرار بود میوه بدهد. همه منتظر سیب و گلابی بودند اما گویا این درخت ز قوم بود و میوه اش تلخ. میوه اش موشکی بود که در نیمه شب ۱۳ دی ماه بر خودروی سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی بر خورد کرد. میوه تلخش از دست دادن مالک اشتر بود و شاید اگر آنهایی

که می گفتند زبان دنیا را بلند قدری به علی اعتماد کرده بودند، اکنون معاویه در خون خود دست و پا می زد. تلخی این میوه شوم که نتیجه سازش بود و با آبیاری مذاکره و صلح با دشمن به بار آمده بود. آنقدر زیاد بود که کام تمام آزادی خواهان سراسر جهان را تلخ کرد و قلب نایب امام زمان را به درد آورد. اما یکی از ثمرات خون جوشان رستم ایران شهر ماین بود که حتی تشنگان مذاکره و صلح هم فهمیدند که «هزینه سازش بیش از هزینه مقاومت است» هر چند که گویا باز قصد دارند خودشان را به نفهمی بزنند...



در سال های بسیار دور که امیرالمومنین علیه السلام در جنگ صفین در حال پیروزی بر معاویه و لشکر یانش بود به ناگاه صدایی از میان لشکر دشمن بلند شد که «ای قوم! حاکم بین ما و شما کتاب خداست» و چشم ها قرآن هایی را دید که بر سر نیزه شدند. شمشیرها از حرکت بازماندند و همگی رو به سوی امیرالمومنین کردند که ای امیر! ما با قرآن سر جنگ نداریم. هر چقدر امیرالمومنین گفت که اینها فقط «در باغ سبز است»، هر چقدر مالک اشتر گفت که تا نابودی فتنه چند ضربه شمشیر بیشتر باقی نمانده... اما گوش کسی بدهکار نبود. مردم دیگر جنگ را نمی خواستند. آنها از ندای لشکر معاویه که می گفت: «ای گروه عرب! به زنان و دختران خود ببیند پیشید، اگر شما نابود شوید، فردا چه کسی در برابر رومیان و ترکان و پارسیان بچنگد؟!» بر خود لرزیده بودند و فکر می کردند اگر با معاویه به گفتگو بنشینند شاید فرجی شود و این نزاع ها پایان یابد غافل از اینکه در طول تاریخ همیشه «هزینه سازش بیش از هزینه مقاومت بوده است». مردم حتی به پیشنهاد امیرالمومنین که معتقد بود مالک اشتر برای مذاکره فرد بهتری است هم گوش ندادند و ابوموسی اشعری ضعیف النفس را برگزیدند که نتوانست هیچ کدام از خطوط قرمز امیرالمومنین در مذاکره را رعایت کند و فریب عمر و عاص را خورد و شد آنچه شد.

چند سال بعد که حسن بن علی علیه السلام خلیفه مسلمین شد، باز هم جنگی در گرفت و باز هم حیل های معاویه کار ساز شد و شمشیرها با برق سکه و طلا از حرکت ایستاد و مردم بر حسن بن علی فشار آوردند که ای امیر! چرا اینقدر طالب جنگی؟ حسن بن علی بر بالای منبر رفت و خطبه ای مفصل خواند و گفت:

إِنَّ مَعَاوِيَةَ قَدْ دَعَا إِلَيَّ أَمْرًا لَيْسَ فِيهِ عِزٌّ وَلَا نَصْفَةٌ فَإِنْ أَرَدْتُمْ الْمَوْتَ رَدِّدُوا إِلَيْهِ، وَ حَكْمَانَهُ إِلَى اللَّهِ، وَإِنْ أَرَدْتُمْ الْحَيَاةَ قَبْلَنَا، وَ أَخَذْنَا بِالرِّضَا، فَتَادَاهُ الْقَوْمُ، الْبَقِيَّةُ الْبَقِيَّةُ (۱)

همگی سازش می خواستند نه جنگ! همگی معتقد بودند که اگر با معاویه سازش کنیم وضعمان بهتر می شود و جنگ یا پایان می یابد و آسایش دوباره نصیبمان خواهد شد. مردم از ماجرای حکمیت عبرت نگرفته بودند و یادشان رفته بود که «هزینه سازش بیش از هزینه مقاومت است». همان معاویه ای که قرار بود امضایش زیر صلح نامه، تضمین آرامش مردم باشد، امام را مسموم کرد و پسرش هم سر امام بعدی را بر سر نیزه کرد. اما مردم باز هم نفهمیدند که هزینه سازش بیش از مقاومت است!

سال ها بعد از آن وقایع سیدی از نسل ائمه معصومین قیام کرد و حکومت ظلم را بر انداخت و به همین دلیل همه مستکبرین و معاویه صفتان عالم در پی نابودیش بودند. پیروانش فهمیده

## پی نوشت ها:

(۱) ای مردم، آگاه باشید معاویه ما را به چیزی می خواند که در آن نه عزت است و نه عدالت. پس اگر شما مرگ و شهادت را برمی گزینید، نامه معاویه را به او بر می گردانیم، و در راه خدا با او به نبرد بر می خیزیم، و اگر زندگی دنیا را می خواهید، به نامه اش پاسخ مثبت می دهیم. رضایت شما را ملاک قرار می دهیم. مردم در جواب این سخن امام از هر طرف، گفتند، تو را به خدا به فکر باقی مانده مردم باشیدا!

- (۲) صحیفه امام ج ۱۵ ص ۳۳۸
- (۳) بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۹۵/۸/۱۲
- (۴) بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۹۵/۵/۱۱
- (۵) سخنان حسن روحانی در تبلیغات انتخاباتی سال ۹۶
- (۶) سخنان هاشمی رفسنجانی

# هزینه‌های یک لجبازی

• زهره صالحی •

راهنمایی که بودم، جمله معروف معلم عربی‌مان این بود که اگر اشتباهی مرتکب شدید جرات پذیرشش را هم داشته باشید. بعدها که وارد دانشگاه و بازار کار شدم متوجه شدم که مهم‌تر از دانش فنی، اصلی که یک مهندس را مهندس می‌کند تعهد است و یکی از وجوه تعهد را قدرت پذیرش اشتباه، برایم معنا کردند. حالا اما وقتی حال و روز کشورمان را می‌بینم که درباره یک مسئله واحد، همه نظر می‌دهند و تحلیل می‌کنند اما کسی پیدا نمی‌شود که مسئولیت را به گردن بگیرد، عذرخواهی کند یا حداقل اینک شاکه نباشد و قیافه حق به جانب نگیرد، با خودم فکر می‌کنم مگر اینها که ادعای مدیریتشان گوش فلک را کر کرده، این اصل ساده و پیش پا افتاده اما مهم را نمی‌دانند؟! که اگر نمی‌دانند که وای به حال ما با چنین مسئولان بی‌سواد و کم‌فکری و اگر می‌دانند و وضع چنین است، باز هم وای به حال ما با چنین مسئولان لجباز و خودخواهی. می‌پرسید چرا وای به حال ما؟ چون ما مردمیم که هزینه می‌دهیم و آرامش ذهنی، روانی و مالی‌مان در گرو تصمیمات و اقدامات همین مدیران کم‌سواد یا لجباز است.

بگذارید کمی جزئی‌تر و ملموس‌تر از یک تجربه تاریخی صحبت کنیم و تاثیر عدم وجود جرات پذیرش ضعف و اشتباه در مجریان این برنامه را بر زندگی‌مان بررسی کنیم. تجربه‌ای تحت عنوان برنامه جامع هسته‌ای یا همان برجام خودمان. عده‌ای آمدند و از تریبون‌های رسمی صدا و سیما ملی عنوان کردند که هم چرخ سانتریفیوژ و هم چرخ زندگی مردم باید توامان با هم بچرخد و خب این حرف، تمام آن چیزی بود که مای مردم می‌خواستیم. هم عزت و استقلال و قدرت هسته‌ای و هم زندگی راحت‌تر و بی‌دردتر. مردم پای صندوق‌های رای به زنده‌ای این حرف رای مثبت دادند و او وعده صد روزه حل مشکلات را داد؛ اما حالا که چیزی حدود هشت سال از عمر این وعده‌ها گذشته به راحتی می‌توان اذعان کرد که تمام برنامه دولت تدبیر و امید در پای میز مذاکرات و تعامل با اروپاییان و امریکایی‌ها خلاصه می‌شد؛ آن‌ها پای میز مذاکره رفتند؛ اگر چه که پیشتر هم سابقه حضور تیم‌های ایرانی پای میز مذاکره وجود داشت اما این بار از لحاظ میزان امیدوار کردن مردم به مذاکرات و رویکرد رسانه‌ای انتخاباتی دولت، رنگ و بویی کمی متفاوت‌تر از قبل به خود گرفته بود. مذاکرات با امیدواری و نشست‌های متعدد و حلالی می‌توان گفت بی‌نتیجه، با چشم‌هایی منتظر به آنچه پشت







و شاید رفع نشد و هنوز رگه‌های از این جنس اختلافات در بزنگاه‌های حساس سیاسی کشور خود را نشان می‌دهد. اینکه بدنه سیاسی فاصله گرفته از هم توانایی نزدیک شدن به یکدیگر و ترمیم شکاف‌های موجود را دارد یا نه، موضوعی است که باید به تاریخ و قضاوتش واگذار کرد اما در این میان نیز نمی‌توان منکر سرخوردگی افرادی شد که هر چه در توان داشتند در جهت دفاع از برجام خرج کردند و حالا که با پیکر بی‌جان این معاهده روبرو شده‌اند، نمی‌توانند به اشتباه خود اذعان کنند و شکست خود را بپذیرند. مسئله دیگری که در جریان برنامه جامع هسته‌ای کشورمان پای میز مذاکرات، مطرح می‌شد، بحث تنش‌زدایی با دشمنان بود.

به عقیده بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل، تنش‌زدایی با دشمنی هم‌سطح با دارای قدرتی بیشتر نسبت به خود، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که کشور، به سمت قوی‌تر شدن در ابعادی که تعیین‌کننده مولفه قدرت او است، پیش برود. اگر بخواهیم مولفه‌های قدرت یک کشور را برشماریم باید در اولین مرتبه به مردم و سرمایه انسانی آن کشور توجه کنیم و سپس به قدرت‌هایی چون هسته‌ای و موشکی، سوال آنجاست که چگونه عده‌ای از برجانی که در جهت تضعیف مولفه‌های قدرت کشورمان پیش رفت، دفاع می‌کنند؟ سوال دیگر آنکه هزینه اتخاذ چنین تصمیماتی توسط مسئولان را چه کسانی جز مردم پس می‌دهند؟ و چطور عده‌ای حرف از مذاکرات در ابعاد دیگری از قدرت کشورمان را به میان می‌آورند؟ تعامل با جامعه جهانی به قیمت ترور دانشمندان هسته‌ای و نظامی‌مان را کدام عقل سلیمی توصیه می‌کند؟ آن هم تعامل با جامعه بین‌المللی که به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای هر روز بیشتر از دیروز رو به افول است و صدای شکستن استخوان‌های هیبت پوشالی و خودساخته‌اش، امروز واضح‌تر از همیشه به گوش می‌رسد. شاید مهم‌ترین سوالی که دولت تدبیر و امید و شخص آقای رئیس‌جمهور باید به آن پاسخ دهد، این است که کشوری که خدا قلمداد می‌شد و سیاست‌مدارانش باهوش و مودب و قابل اطمینان بودند، چرا به تعهداتشان در برجام عمل نکرد و هزینه این اعتماد بی‌چون و چرا به دشمنی که رفتار طبیعی‌اش دشمنی است، برای کشور و مردم چه میزان بوده است؟ سوال آخر از مردم هم اینکه آیا دادن هزینه پذیرش اشتباه و جرات عذرخواهی، فاکتور بی‌اهمیتی در انتخاب مهمترین شخص در منصب اجرایی کشور است؟

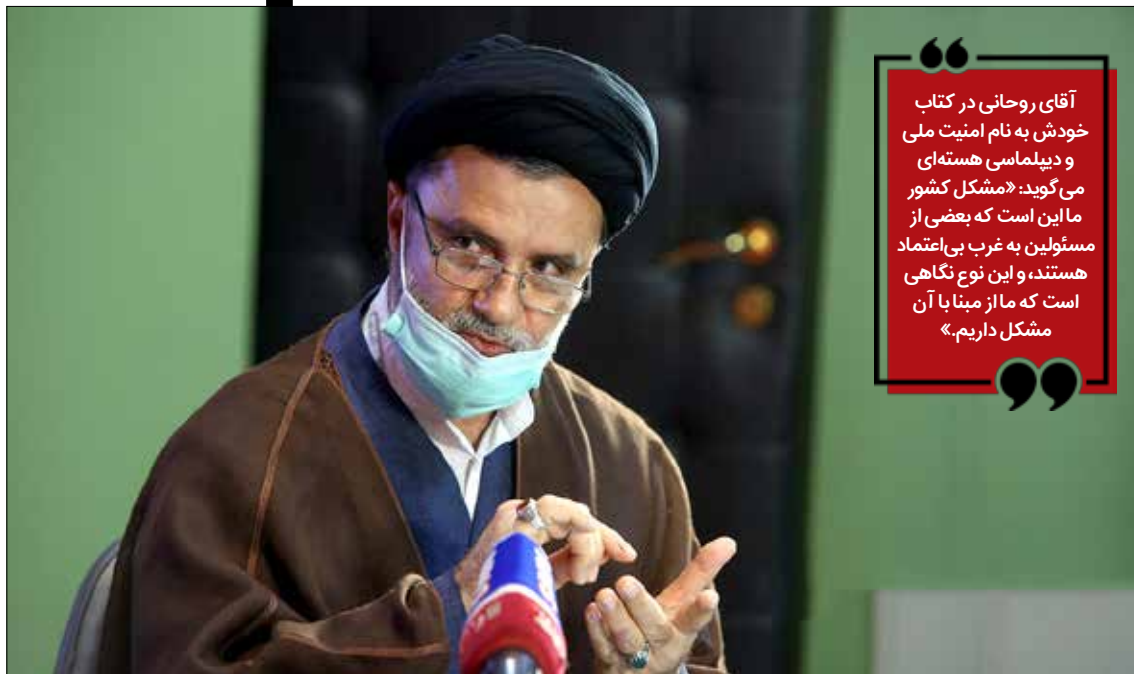
درهای بسته اتفاق می‌افتاد، پیش می‌رفت. اعضای ایرانی تیم مذاکرات و شخص رئیس‌جمهور و تیم‌های رسانه‌ای همسو با دولت، هر یک روز تاخیر در به سرانجام رسیدن مذاکرات را معادل یا ده‌ها میلیون دلار خسارت به اقتصاد کشور می‌دانستند و اینطور عنوان می‌کردند که در صورت به سرانجام رسیدن گفتگوها، درهای بازار جهانی به روی اقتصاد ما گشوده می‌شود و آن وقت تحریم‌ها لغو می‌شود و مایی که به زعم برخی‌ها تمام هنرمان در تهیه آنگوشت بز باش بود، می‌توانیم به راحتی آب بخوریم و از درخت برجام، گلایی بچینیم. ناگفته نماند که در داخل مرزهای ایران درست وقتی که آیت‌الله خامنه‌ای اسامی سال‌ها را در موضوعات اقتصادی و تکیه بر توان بومی انتخاب می‌کردند و از مزایای اقتصاد مقاومتی برای کشورمان می‌گفتند و بر اجرایی شدن آن تاکید می‌کردند؛ تولیدگران، امیدوار به برجام و اوضاع بهتر بودند و به امید کاهش نرخ‌ها دست به فعالیت‌های اقتصادی در کشور نمی‌زدند؛ به‌طوری که بسیاری از کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی در بازه سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ تعطیل شدند و یا تعدیل نیرو کردند.

در نهایت هم پس از خروج آمریکا از برجام و عدم انجام تعهدات توسط دیگر کشورهای حاضر در مذاکرات، تنها رکود اقتصادی و دلار سی‌تومانی‌اش نصیب سفره‌های کم‌رعمق مردم شد. جدای از بحث تاثیر برجام در اقتصاد کشور که مفصل است و تحلیل‌های کارشناسانه می‌طلبند، دیگر تاثیر آن را می‌توان در فضای سیاسی رسانه‌ای و حزبی داخل کشور جستجو کرد. عده‌ای موافق انجام توافقات، به هر قیمتی، بودند و عده‌ای مخالف. عده‌ای خوشبین و عده‌ای دلواپس.

در فضای سیاسی رسانه‌ای آن روزها عده‌ای متهم به جنگ‌طلبی می‌شدند و عده‌ای متهم به اعتماد به شیطان بزرگ. انتظار می‌رفت که شخص رئیس‌جمهور دوقطبی‌های به وجود آمده در فضای سیاسی کشور را مدیریت کند؛ اما نکته جالب ماجرا آنجا بود که شخص آقای روحانی، علمدار سمتی از درگیری‌های داخلی بود و مخالفانش را با الفاظ و جملاتی چون: بروید به جهنم، ترسوها، بزدل‌ها و... خطاب می‌کرد و به فضای ملتهب و بی‌ادب سیاسی موجود در کشور دامن می‌زد و نشان داد که توقعی که از او در سامان دادن وضعیت جامعه وجود داشت از اساس اشتباه بود. این درگیری‌ها به اندازه عمر دولت ادامه‌دار بود. با عدم توفیق در برجام نیز این شکاف به وجود آمده، آنطور که باید

# اعضای اصلی تیم مناظره کننده را به مناظره در تلویزیون دعوت می‌کنم

برجام و تاثیر آن بر امنیت و اقتصاد ملی



دکتر سید محمود نبویان • نماینده منتخب دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی

«  
آقای روحانی در کتاب  
خودش به نام امنیت ملی  
و دیپلماسی هسته‌ای  
می‌گوید: «مشکل کشور  
ما این است که بعضی از  
مسئولین به غرب بی‌اعتماد  
هستند، و این نوع نگاهی  
است که ما از مینا با آن  
مشکل داریم.»  
»

## کنید. افرادی که موافق و مخالف برجام بودند چقدر به متن برجام مسلط بودند؟

اینکه بنده ادعایی را اینجا مطرح کنم که فلانی بلد است یا بلد نیست و من بلدم، هیچ ارزشی ندارد. این مسئله باید راستی آزمایی شود، بنابراین معلوم نیست این جوابی که من عرض می‌کنم برای مخاطبین قابل باور باشد؛ اما من از روی صداقت عرض می‌کنم که در این ۵ الی ۶ تا مناظره‌ای که داشته‌ام، اینهایی که مدافع برجام بودند واقعا برجام را نخوانده بودند. مثلا من چهار تا مناظره با آقای زیبالام داشتم، از شما پرسیدم تو خواندی برجام را؟ گفت من یک کلمه‌اش را هم نخوانده‌ام. یا به آقای کواکبیان گفتم خواندی؟ آقایان اصلا متوجه نیستند. مطلقا نخوانده‌اند یا آقای کیلی، صادقی یا آقای بهشتی پور (که من ایشان را خیلی قبول دارم) بیشتر از همه خوانده بود اما ابهامات گوناگونی داشت. آقای ظریف هم که وقتی جاهای مختلف برجام را نشان می‌دادیم، گفت من اینها را ندیده بودم. من یادم است از یکی پرسیدم خواندی؟ گفت من وقت خواب به توری کردم! متأسفانه دوستان مخالف و انقلابی هم نخوانده‌اند. در مجلس هم من فکر نمی‌کنم کسی با دقت لازم خوانده باشد. بنده دوستانی را دعوت به مصاحبه می‌کنم که حداقل یک بار برجام را خوانده باشند. من اعضای اصلی تیم

## ●● لطفا مختصری از بیوگرافی خودتان و سمت‌هایی که در حوزه سیاستی کشور داشتید را برای مخاطبین ما شرح دهید.

بنده متولد ۱۳۴۴/۰۱/۰۸ هستم اهل بابل مازندران. ابتدایی و راهنمایی و بخشی از دبیرستان را در شهر خودمان و یک سال از مقطع دبیرستان را در تهران و یک سال را در قم خوندم. همزمان با ایام جنگ، به جبهه رفتم و اندکی از وظیفه خودم را در جبهه‌ها انجام دادم. درس طلبگی را در تهران، قم و در حوزه فیضیه مازندران خواندم و بعد از مدتی منتقل شدم به قم. در درس خارج، شاگرد آقای وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی و برخی بزرگواران دیگر بودم و بعد هم وارد موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی شدم. در آنجا خدمت حاج آقای مصباح بودیم و کارشناسی، ارشد و دکتری را در آنجا گذراندم و الان هم دانشیار فلسفه و هیئت علمی آنجا هستم. اخیرا هم در دوره نهم مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم تهران بودم. معاون فرهنگی آیت‌الله اراکی در مجمع جهانی تقریب مذاهب و مسئولیت پژوهشی این پژوهشگاه را بر عهده داشتم. قبل از نمایندگی دوره نهم هم جانشین پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام در قم بودم. الان هم در دوره یازدهم، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی هستم.

## ●● لطفا نظراتان را در مورد منتقدین و موافقین برجام عنوان



بیاید و راستی آزمایی کند که آیا ایران در اجرای تعهداتش درست عمل کرده یا نه. من در کمیسیون بررسی برجام در مجلس، از آقای عراقچی پرسیدم شما برای اجرای تعهدات از طرف آنها چه ضمانت بین المللی گرفتید؟ آقای عراقچی در چشم من نگاه کرد و گفت هیچ!

سومین نکته این است که اینها مکانیسم ماشه را پذیرفتند! دوستان مراجعه کنند به بند ۳۶ و ۳۷ برجام. یک بنگاهی هم چنین معامله‌ای نمی‌کند. در این بندها آمده است که اگر هر یک از طرف‌های برجام، در این قرارداد اعتراض کند که چرا ایران تعهداتش را در برجام انجام نداده، این اعتراض می‌رود به شورای امنیت و همه تحریم‌ها برمی‌گردد. طرف‌های برجام شامل امریکا، روسیه، آلمان، فرانسه، انگلستان، چین و نماینده عالی اتحادیه اروپا و عضو هشتم ایران است. حالا اگر ایران، در مورد عدم انجام تعهدات به این کشورها اعتراض کند، باز هم پرونده به شورای امنیت می‌رود و تحریم‌ها برمی‌گردد. یک بنگاهی را در نظر بگیرید واقعا یک بنگاهی چنین معامله‌ای نمی‌کند. ماده ۴ NPT می‌گوید هر کشور عضو، به هر میزان می‌تواند از انرژی هسته‌ای با هر چند درصد که می‌خواهد تعقیب و توسعه و تولید و استفاده کند؛ اما فقط صلح آمیز باشد. راکتور تحقیقاتی تهران که برای یک میلیون بیمار سرطانی، رادیو دارو تولید می‌کند (که قبلا امریکا به شاه داده بود، سوختش ۹۳ درصد بود. این یعنی می‌توانی ۹۳ درصد تولید غنی‌سازی داشته باشی اما در حالی که صلح آمیز باشد). امریکا و غرب می‌گویند درست است که این در NPT آمده اما شما یک کشور عادی نیستید، یک کشور یاغی و استثنایی هستید و برای شما که استثنایی هستید، محدودیت‌هایی وجود دارد که فقط باید از نسل یک سانتر فیوژ استفاده کنید یا غنی‌سازی تا ۳،۶۷ درصد باشد و اینکه ذخیره تا ۳۰۰ کیلو باشد. دکتر جلیلی ایستاد و گفت ما استثنایی نیستیم و دنبال حق و حقوق خودمان هستیم، اما آقای روحانی و ظریف گفتند بله؛ قبول است ما یاغی گریم. یک بند در برجام می‌گوید: «بعد از اجرای کامل برجام، با شما به عنوان یک کشور عضو NPT برخورد خواهد شد» و یا در بند دیگری که هیچ کشوری نپذیرفت می‌گوید: «این محدودیت‌ها و نظارت‌ها فقط مختص ایران است و نباید نسبت به هیچ کشور دیگری اجرا شود، چون اینها در هیچ قانون دیگری نیست». چرا؟ چون ایران کشور استثناییه. من اصلا نمی‌گویم آقای ظریف یا روحانی یا بقیه خائنند و... من می‌گویم اینها ضعیف‌ترین و فوق العاده ضعیف‌ترین تیم مذاکره‌کننده ایرانی در تاریخ بودند. این تیم اصلا اشرافی به کار ندارند. آقای دکتر جلیلی این مباحث را مسلط بود. طرف‌های مذاکره، به تیم آقای جلیلی گفتند که شما باید دست از غنی‌سازی ۲۰ درصد بردارید. (جالب است بدانید که ما برای تولید رادیو دارو برای بیماران سرطانی در تهران نیاز به سوخت ۲۰ درصد داریم. در برهه‌ای به سوخت احتیاج داشتیم و امریکا

مذاکره‌کننده را دعوت می‌کنم به مناظره در تلویزیون. یعنی آقای عراقچی، ظریف و صالحی را که متأسفانه نمی‌آیند. من بارها اعلام کردم که حاضریم با آقای ظریف مذاکره کنیم. آقای ظریف بارها گفتند که برجام افتخار است؛ خوب برادر مگر نمی‌گویی برجام افتخار است؛ بیا و ازش دفاع کن. البته من فقط در صدا و سیما و پخش زنده حاضر به مناظره با ایشان هستم (اینکه جای خصوصی باشد و ملاحظه باشد و... رانمی‌پسندم). این دوستان حاضر نیستند حقایق برای مردم مشخص شود. بنده همین الان به علت اینکه مخالف برجام در صداوسیما ممنوع تصویرم و صریحا اعلام می‌کنند که شما جزو لیستید و اگر برنامه‌ای با شما برویم دولت بودجه را قطع می‌کند. این چه رفتار دیکتاتورانه‌ای است که اینها دارند که نمی‌گذارند حقایق برای مردم مشخص شود. اگر اینطور نیست دولت بیانیه بدهد و عنوان کند بودجه صداوسیما را قطع نمی‌کند تا اجازه بدهند من بروم در یکی از شبکه‌های سیما و برجام را در چند جلسه توضیح بدهم. چرا اجازه نمی‌دهند؟

### ● نقاط ضعف و قوت تیم مذاکره‌کننده (آقایان ظریف، عراقچی و صالحی) چه بوده است؟

یکی از نقاط ضعف جدی این بود که اینها این کاره نبودند. صرف اینکه آدمی زبان بلد باشد که نمی‌رود مذاکره کند، من یادم هست از آقای عراقچی پرسیدم شما سانتر فیوژ دیدی که رفتی این همه تعهد دادی؟ گفت راستش من تا حالا یک بار هم ندیدم. اینها اصلا نمی‌دونند اصطلاحات تخصصی این بحث‌ها چه هست! نکته دوم اینها اصل بر خوشبینی بر دشمنان این ملت داشتند. آقای روحانی در کتاب خودش به نام امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای می‌گوید: مشکل کشور ما این است که بعضی از مسئولین ما به غرب بدبین هستند. شما نوع گاه را ببینید. آقای ظریف و عراقچی مگر نگفتند امضای کری تضمین است؟ مادر برجام تعهد عقب‌نشینی هسته‌ای دادیم و امریکا و غرب تعهد لغو تحریم‌ها را دادند. خوب چرا ما اول باید اجرا کنیم؟ مگه ما تحریم کردیم؟ مگه ما جنگ را تحمیل کردیم؟ اشکال ندارد. آقا فرموده اول هم شما اجرا کردید، موردی ندارد اما گام به گام اجرا کنید. به چه معنی؟ به این معنی که مثلا اگر ما تعهدمان را در نظر انجام دادیم همین یکی کافی است. مشروط به اینکه مثلا تحریم‌های بانکی یا شورای امنیت برداشته بشود. نرویم سراغ انجام تعهدات دیگر! اگر آنها تحریم‌ها را برداشتند آن موقع بروید سراغ اجرای تعهدات بعدی. آقایان رفتند گفتند آنها قابل اعتمادند و کل تعهدات را انجام دادیم ولی آنها یک دانه از تعهداتشان را در زمان اوپاما انجام ندادند چه برسد به ترامپ. امریکایی‌ها گفتن شما تعهداتتان را انجام بدهید اما ما به شما اعتماد نداریم و باید یک سازمان بین‌المللی



“ سردار سلیمانی آنقدر بزرگ است و من هم آنقدر کوچکم که اصلا نمی‌توانم درباره‌شان صحبت کنم. اما از ایشان یک چیز را می‌دانم که سردار سلیمانی دلار نداشت، مذاکره نداشت شورای امنیت نداشت، فرانسه و انگلیس و عربستان و... هم نداشت. همه را شکست داد؛ چون در سوریه پشت داعش، حدود ۷۰ تا کشور وجود داشت که سردار سلیمانی همه را شکست داد. چطور می‌شکست داد؟ با مذاکره؟ سردار به چیزی را به ما فهماند و آن اینکه اگر برای رضای خدا بمانی و کار کنی بر همه دنیا پیروزی.

است چون مهد سرزمین سلمان و سلیمانی است و هیچ وقت شکست نخواهد خورد.

### ● آیا ارتباط بین مشارکت پایین در انتخابات مجلس سال گذشته و وعده‌های برجامی دولت وجود دارد؟ اگر بله؛ آیا این ارتباط در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ نیز خود را نشان می‌دهد؟

هر زمانی که حکومت و دولت دست اصلاح‌طلبان می‌افتد همین است؛ چون پدر مردم را از نظر اقتصادی درمی‌آورند. دولت آقای روحانی در همه چی شکست خورد اما در یک چیز موفقیت صد درصدی داشت و آن بدبین و ناامید کردن مردم نسبت به نظام بود. ما واقعا از مردم می‌خواهیم که اگر می‌خواهند مشکلاتشان حل شود، به دولت جوان و غیراشرافی‌تر اسر کار بیاورند. اینها که اشرافی هستند، بعضی دو تابعیتی هستند و وزرای هزار میلیاردی. اینها نمی‌توانند درد مردم را دوا کنند.

### ● بعد از فروکش کردن غبار تبلیغات (آفتاب تابان، باغ گلایی و برجام را خدا آورد و...) علت اینکه بدیهیات پیش پا افتاده در این قرار داد لحاظ نشده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این دقیقا به مبنای تیم برمی‌گردد. اینها عجله داشتند برای به ثمر رسیدن مذاکرات و این جمله از آقای ظریف هست که گفتند: «هرگونه توافقی بهتر از توافقی نکردن است.» چرا این را گفتند؟ چون ۹۶ باید رای بیاورند.

### ● در خصوص یک موضوع مورد مذاکره (انرژی هسته‌ای) وجود تعدادی از جاسوس‌های نشانه‌دار در این مسیر نشانه چیست؟

(سپروس ناصری، دری اصفهانی، تریا پارس‌پور و گروهش)  
تفاوت بعدی که این تیم دارد این است که اینها اصلا قائل نیستند که این افراد جاسوسند؛ و می‌گویند شما چرا اینقدر بدبینید. الان شما فکر می‌کنید آقای ظریف و روحانی قبول دارند که دری اصفهانی جاسوس بوده؟ نه؛ اینها قبول ندارند. مشکل ما با اینها همین است که رابطه شما با دشمنان خیلی بهتر است. لبخندها برای آنها بود و ناسزاها برای ما.

### ● آیا برجام و تعطیلی صنعت هسته‌ای کشور بهای سنگینی برای اقع افکار عمومی در مورد دشمنی آمریکا و غرب نبود؟ جایگزین برجام و مذاکرات برای این اقع‌سازی چه می‌توانست باشد؟ (با تجربه برجام باید چه کاری توسط چه کسی انجام شود تا در آینده دچار چنین خطایی نشویم؟)

بله خوشبینی به امریکا هزینه بسیار زیادی دارد که خدای تعالی کمک کرد و مردم فهمیدند. راه حل زنده نگه داشتن برجام، برجام خوانی است. برجام از تر کم‌نچای هم بدتر بود. در تر کم‌نچای یا هر توافقی دیگری باید به زبان هر دو طرف، قرارداد تنظیم بشود اما در برجام، آقایان اصل‌نیازی ندیدند که برجام فارسی را هم تنظیم و امضا کنند و این ضعف خلی بزرگی است.

### ● با توجه به اینکه به ایام شهادت سردار هم نزدیک هستیم خاطرهای یا نکته‌ای درباره ایشان دارید که در این یک سال مغفول بوده و کمتر جایی عنوان شده باشد؟

سردار سلیمانی آنقدر بزرگ است و من هم آنقدر کوچکم که اصلا نمی‌توانم درباره‌شان صحبت کنم. اما از ایشان یک چیز را می‌دانم که سردار سلیمانی دلار نداشت، مذاکره نداشت شورای امنیت نداشت. فرانسه و انگلیس و عربستان و... هم نداشت. همه را شکست داد؛ چون در سوریه پشت داعش، حدود ۷۰ تا کشور وجود داشت که سردار سلیمانی همه را شکست داد. چطور می‌شکست داد؟ با مذاکره؟ سردار به چیزی را به ما فهماند و آن اینکه اگر برای رضای خدا بمانی و کار کنی بر همه دنیا پیروزی.

### ● نظر ایشون را نسبت به برجام می‌دانستید؟

نه نمی‌دانستم. گزارشات سیاسی و راست و چپ و اصولگرا و اصلاح طلب که مسخره‌ست. خط سیاسی حاج قاسم این بود که سرباز صد درصد مقام معظم رهبری بود و جانش را می‌داد برای دفاع از مردم و این ملاک صدق و درستی است؛ سرباز مطیع امر رهبری و عاشق و خادم مردم. اینها مهمترین چیزند.

و ... سوخت را به ما نمی‌دادند) آقای جلیلی می‌گویند که رفتم در جلسه و به نماینده اتحادیه اروپا گفتم: «نمی‌دهید؟ ما دست روی دست نمی‌گذاریم و خودمان تولید می‌کنیم.» آقای جلیلی می‌گفتند آنها آن موقع به من خندیدند و گفتند تولید این سوخت تکنولوژی می‌خواهد و نمی‌توانید اما به برکت شهید شهریاری و فخری زاده توانستیم تولید کنیم.

آقای جلیلی می‌گفتند تو درخواست خودت را بگو و اینکه در ازای خواست تو ما چه می‌خواهیم را خودمون تعیین می‌کنیم؛ نه شما. مشکل آقای ظریف و روحانی و ... این است که هر دو طرف کار را اسپرند به امریکایی‌ها.

### ● از نظر شما عمده نقاط تفاوت و اشتراک تیم‌های مذاکره‌کننده ایرانی چه بوده است؟

این بحث خیلی مفصلی است اما مبنای تیم آقای جلیلی و روحانی با هم متفاوت است. من فقط دو مبنای را عرض می‌کنم. آقای روحانی در کتاب خودش می‌گوید: «مشکل کشور ما اعتماد نکردن به غرب است.» خب این مبنای آقای جلیلی نبود و او می‌گوید کدام آدم عاقلی به دشمن اعتماد می‌کند؟ مبنای دیگر اینکه آقای روحانی و ظریف و خاتمی و... بحث تنش‌زدایی با دشمن و غرب را مطرح می‌کنند. سوال این است که با شخصی که زده سردار سلیمانی ما را شهید کرده چطور می‌شود مذاکره کرد؟ آقای جلیلی اما می‌گوید وقتی ما می‌توانیم تنش‌زدایی کنیم که اگر آنها چاقو دستشان می‌گیرند ما قمه بگیریم. سردار سلیمانی را شهید کردند، ما خواستیم تنش‌زدایی کنیم، جوابشون را ندادیم. (به تعبیر حضرت آقا عین‌الاسد جوباش نبود.) خب دشمن چه کار کرد؟ تاسیسات نطنز ما را زد. این هم جوابش را ندادیم؛ شهید فخری زاده را ترور کرد. این هم جواب ندادیم بدتر می‌کند. اگر همانجا که شهید سلیمانی را زدند جوابشان را می‌دادیم اینطور نمی‌کرد. آقای صالحی می‌گفتند: «آقای جلیلی فقط اهل ستم هست و اهل داد و ستم نیست.» خب سوال من این است مگر این بداست برای کشور؟ شماها که فقط اهل دادید. فقط اهل امتیاز دادن هستید.

### ● شما دلیل انتخاب چنین رویکردی را توسط تیم آقای روحانی چه می‌دانید؟

رفتار بشر ناشی از دو چیز است، یکی انگیزه و دیگری معرفت و شناخت. من با انگیزه ایشان کار ندارم. بعضی‌ها می‌گویند اینها مرض دارند، خیانت کارند و ... من این را نمی‌گویم اما می‌گویم که اینها با دست بالا رفتند سمت دشمن. من این را برای اولین بار اینجا می‌گویم، رفتن گزارش دادند به کل سران مملکت که امریکا و اسرائیل آرایش جنگی دارند. که چه چیزی را جا بیندازان؟ اینکه برویم سمت مذاکرات. در حالی که رهبری قانع نشدند و گفتند بروید گزارش بیاورید و به سپاه و ارتش دستور پیگیری دادند و حتی با فرماندهان روسی صحبت کردند و همه گفتند این کشورها آرایش جنگی گرفتند، منتها آرایش دفاعی نه تهاجمی؛ چون آقا گفته بودند که انتقام شهید سلیمانی را خواهیم گرفت. من جسارت نمی‌کنم اما کسی که از راهنمایی و دیپلم و قبل از انقلاب و جنگ رفته امریکا می‌خواهد از منافع ملی ما دفاع کند؟ معلوم است که نمی‌تواند.

### ● تاثیر برجام در امنیت ملی چه بوده است؟ برجام وحدت ملی را تقویت کرده است یا تضعیف؟

برجام اقتصاد ما را نابود کرد. من زمانی که در مجلس بودم با کارخانه‌دارها صحبت می‌کردم که چرا تولید نمی‌کنید؟ می‌گفتند حاج آقا، شما صدايت انگار از جای گرم درمی‌آید. دارد مذاکره انجام می‌شود؛ دارد برجام اتفاق می‌افتد و دلار می‌شود هزار تومان. اینطوری اقتصاد انتظاری به وجود آمد و همه چی خوابید و دلار شد سی تومان. آقایان در بند ۷۴ و ۷۸ برجام دسترسی به تمامی اماکن نظامی را هم دادند به امریکا. خب معلوم است امنیت ما زیر سوال می‌رود.

### ● به نظر شما پیامد رفتارهای سیاست‌پویان ایرانی در مواجهه با برجام، در جهتگیری و مقاومت ملت‌های مسلمان چه بوده است؟

با به پشت میز مذاکره کشاندن ایران، امریکا یک پیام را به کل نیروهای مقاومت جهان صادر کرد. و آن این بود که: ببینید! شما که گردن کلفت‌تر از ایران نیستید. ایران هم فهمیده هیچ راهی ندارد و باید بیاید پای میز مذاکره! و این باعث تزلزل نیروهای مقاومت می‌شود و این همان چیزی است که امریکا می‌خواهد. اما ایران شکست‌ناپذیر

# تیم‌های قبلی مذاکره‌کننده بیشتر به مزاح شبیه بودند تا تیم مذاکره‌کننده

از برجام و خوبی‌هایش تا ماجرای تیر جنجالی «امضای کری تضمین است»

●● عملکرد رسانه‌ای آقای روحانی و تیمشان و تعاملشان با رسانه‌ها رو چه در برهه انتخابات و چه در دوران ریاست جمهوری‌شان چطور ارزیابی می‌کنید؟

به اعتقاد من پاشنه آشیل آقای روحانی رویکرد رسانه‌پشان بود و در امتدادش تیم رسانه‌ای که داشتند. ما جمعی از مدیران مسئول بارها در این رابطه با وزرا و رئیس دفتر آقای روحانی صحبت کردیم و بهشان تذکر دادیم. نکته‌ای که خود من همیشه بهش تکیه می‌کردم این بود که آقای روحانی استراتژی رسانه‌ای ندارد و اگر یک فرد استراتژی نداشته باشد طبیعتاً برنامه‌ای هم نخواهد داشت. شما اگر تیم رسانه‌ای آقای روحانی رو بشناسید، می‌بینید که هر کدام از اینها از یک جریان سیاسی نشأت می‌گیرند و رویکرد متفاوتی دارند و نزدیکی هم با آقای روحانی ندارند و همین واگرایی که در تیم آقای روحانی بود باعث شد که انطور که باید نتواند دولت را همراهی کند چه در مقابله با تخریب‌های که در مقابل دولت صورت می‌گیرد و چه در مقابل معرفی کارهایی که آقای روحانی کرده و این مهم‌ترین مسئله‌ای بود که روحانی در این ۸ سال ازس رنج می‌برد و هیچ اراده‌ای برای تغییرش هم وجود نداشت. من معتقدم رسانه مهم‌ترین عنصری است که یک سیستم باید بهش توجه کند. رسانه، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت نوین مطرح است و مدیریت نوین اصلاً بدون رسانه خلق نمی‌شود.

●● در زمان انتخابات ۹۲ و ۹۶ چطور؟ چون خیلی‌ها معتقدند که آقای روحانی اتفاقا خیلی خوب توانستند با استفاده از بازی‌های تبلیغاتی اهدافشان رو پیش ببرند؟

بحث‌های انتخابات خیلی به آقای روحانی بر نمی‌گردد. اتفاقاً اگر بخواهیم عملکرد تیم رسانه‌ای ایشون را ارزیابی کنیم اونها اتفاق خاصی رو رقم نزنند. اتفاقات انتخاباتی چیزی فراتر از تیم رسانه‌ای آقای روحانی بود و اگر شما برگ برنده‌ای می‌بینید به حساب تیم رسانه‌ای روحانی نباید بذارید. این را باید به حساب همه کسانی که در زمان انتخابات آمدند و کار کردند باید گذاشت و این شامل همه رسانه‌هایی می‌شود که در جریان اصلاح‌طلبی و اصولگرایان معتدل آمدند و کار کردند.

●● شما کلیت قرارداد برجام را چطور ارزیابی می‌کنید؟

به گمان من برجام مهم‌ترین اتفاق بین‌المللی سال‌های اخیر ایران است و حتی پیش و پس از انقلاب، هیچ اتفاق مهمی این گونه‌ای را شاهد نبودیم. ایران با مذاکرات هسته‌ای و توافق با شش کشور، از پرونده‌ای که بیش از ۱۲ سال بر سر آن با دنیا مذاکره کرده بود، نجات پیدا کرد. در حالی که چندین قطعنامه تحریمی به دلیل این پرونده برای ایران صادر شده بود اما ایران توانست با مذاکره و توافق، از این وضعیت خارج بشود. به ویژه قطعنامه‌های فصل هفتمی که به شدت خطرناک است و این قطعنامه‌ها برای هر کشوری صادر شده یا با جنگ و یا با حذف آن دولت، برطرف شده اما در مورد ایران این قطعنامه‌ها با توافق برطرف شد و خطر جنگ که به طور بالقوه وجود داشت را توانست برطرف کند. از همین رو من معتقدم برجام یک توافق بسیار مهم سیاسی برای ایران است و این توافق توانست بار دیگر عزت ایران رو در عرصه بین‌الملل نشان بدهد. به نظر من اشکال بزرگی که وجود داشت، این بود که هر دو طرف قصه چه موافقان و چه مخالفان تلاش می‌کردیم این معاهده مهم را به دعوای حزبی فرو بکاهیم. به نظر من اگر این اتفاق رخ نمی‌داد ما می‌توانستیم بهره‌های فراوانی ببریم که متأسفانه اتفاق نیفتاد. ولی من در عین حال معتقدم استفاده‌هایی که همین برجام نیم‌بند برای ما داشت به مراتب بهتر از این بود که این معاهده صورت نمی‌گرفت.

●● از نظر شما امتیازاتی که در برجام توسط کشور ما داده شده و امتیازاتی هم که گرفته شد چه بود؟

ببینید ما در برجام چیزی ندادیم و نباید خودمون را سرزنش کنیم که ما کلی امتیاز دادیم و چیزی نگرفتیم. مهم‌ترین اتفاق برجام این بود که ما بدون هیچ جنگی از ذیل بند هفتم آمدیم بیرون و دیگر هم بحث TND توسط همین برجام شمشیرش از بالای سر ما برداشته شد. ما در برجام توانستیم آن چیزی را که بارها گفته شده بود و جهان گوش شنوایش را نداشت به اثبات برسانیم و بگویم ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و رهبر ما هم آن را حرام کردند. جهان تا قبل از برجام این را از ما نمی‌شنید اما در بحث برجام آن را قبول کرد و با ما معاهده امضا



مهدی رحمانیان • مدیر مسئول روزنامه شرق

کرد و ما یک فصل مشترکی با جهان پیدا کردیم چون آن شش کشور نماد جهان هستند. ●● شما دادن امتیازات هسته‌ای، مثل توقف غنی‌سازی بیست درصد، کاهش تعداد سانتریفیوژها و بتن ریزی در راکتور آب سنگین اراک را جزو امتیازات داده‌شده از طرف کشور ایران محسوب نمی‌کنید؟

جواب سوال شما را دیروز آقای صالحی دادند و گفتند که ما برگشتیم به غنی‌سازی بیست درصد. پس این بتن ریزی و اینکه همه چیز تمام شد... با اتفاق دیروز جوابش داده شد. ما هر موقع اراده می‌کردیم می‌توانستیم برگردیم به دوران پیشا برجام و دیدید که برگشتیم.

●● عملکرد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشورمان را چطور ارزیابی می‌کنید؟

با عرض معذرت تیم‌های قبلی بیشتر به مزاح شبیه بودند تا تیم مذاکره‌کننده؛ اما تیم آقای ظریف و همکارانشان جزو نخبگان این حوزه بودند و فکر می‌کنم اگر نظر دشمنانمان را در رابطه با این افراد بخوانیم بهتر باشد. من خودم وقتی مواضع آقای کری را در رابطه با آقای ظریف می‌خواندم به شدت افتخار می‌کردم که آدمی به نمایندگی از ما در عرصه بین‌المللی بتواند ظاهر بشود که هم عرق ملی‌اش بالا باشد و هم توانایی صحبت کردنش. آقای کری عرق ملی ظریف را بسیار بر جسته می‌کنه که بر جسته هم هست واقعا. این تیم، تیم بسیار خوبی بود و من معتقدم در طول تاریخ نمونه‌شان رو کمتر داشتیم. صرف نظر از کاری که مرحوم مصدق در جریان ملی شدن نفت کرد، کاری بود که آقای ظریف کرد.

●● لطفاً چند مورد نقاط قوت تیم یا توصیفاتی که کشورهای خارجی نسبت به آقای ظریف داشتند را نام ببرید؟

آقای ظریف ویژگی مثبتش این است که زبان بلد است و زبان انگلیسی را به خوبی زبان مادری صحبت می‌کند و حقوق بین‌الملل و تجربه کار دیپلماسی داده و خب چنین آدمی توانسته آن دو تا کار بزرگی که عرض کردم را انجام دهد و پیاده کند.

●● این ویژگی زبان بلد بودن و تجربه داشتن در تیم‌های دیگر نبود؟

نه؛ شما ببینید آقای جلیلی حتی فارسی را به خوبی نمی‌تواند حرف بزند، آن وقت شما توقع داشتید انگلیسی حرف بزند؟ ایشان مترجم داشتند. ما که تعارف نداریم و نمی‌خواهیم خدایی نکرده آدم‌ها را تحقیر کنیم. آدم‌ها به صرف انسان بودنشان محترم و قابل احترام هستند؛ اما



توضیح دادند که آقای کری تضمین داده و یک نامه را برای آقای ظریف فرستاده و در آن نامه گفته این امضا، هیچ لطمه‌ای به برجام نمی‌زند و چند روز بعد از آن هم برجام اجرایی شد و ایشان گفتند که در عرف بین الملل نامه و امضای کشورها و وزرا و روسای امور خارج، تضمین است و ما هم بر همین اساس تیرت زدیم که امضای کری تضمین است.

### ●● این قانون چه آسیبی می‌توانست به برجام بزند؟

می‌توانست برجام را هوا کند و خب این اتفاق نیفتاد و باعث شد برجام اجرایی بشود.

### ●● من متوجه نشدم، بر چه اساسی می‌توانست روی برجام تاثیر بگذارد؟

چیزی که آقای اوپاما اجرا کرده بود باعث شده بود که محدودیت صادر شدن ویزا در مورد کشورهایی مثل کشور ما اتفاق بیفتد. در رسانه‌ها هم این فضا ایجاد شده بود که ممکن است ایرانی‌ها مخالفت کنند و یا امریکایی‌ها حرف در بیاورند. وقتی این بحث‌ها مطرح شد آقای عراقچی گفتند چون آقای ظریف هم اعتراض کرده، آقای کری نامه نوشته و گفته این محدودیت، آسیبی به برجام وارد نمی‌کند. ضمن اینکه ترامپ از همه معاهده‌ها و توافقات خارج شد و اینها را کی تضمین کرده بود؟ کارهای ترامپ به عقل جن هم نمی‌رسید و این رفتارها واقعا غیراستاندارد بود.

### ●● شما می‌فرمایید رفتار ترامپ غیر قابل پیش بینی بود؟ بله

### ●● شما بین سیاست‌های ترامپ و سیاست‌های کلی نظام امریکا اختلافی قائل هستید؟

قطعاً همین طور است. ببینید ترامپ یک پدیده در عرصه دیپلماسی بود. در امریکا چیزهایی خطی قرمز است و از آنها عدول نمی‌کنند؛ مثل دفاع از اسرائیل، ولی چیزهایی هست که به رئیس‌جمهور و حزب مربوط است و هر کی بیاد تغییر می‌کند. من اعتقاد این است که اوپاما و ترامپ کاملاً با هم متفاوت بودند.

### ●● دلیل پایین بودن مشارکت مردم در انتخابات مجلس سال گذشته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همین که شما می‌پذیرید که مشارکت مردم پایین بوده یعنی یک گام رو به جلو و دلیلش هم این است که مردم احساس می‌کنند رایشان تعیین کننده نیست، و احساس می‌کنن چه رای دهند و چه رای ندهند، سیاست‌ها یکسان است. خب فرد در مقابل این کار احساس می‌کند آمدن یا نیامدنش پای صندوق یکی است. اگر چه من خودم این اعتقاد را ندارم و معتقدم با نبودنندم داریم به کسی که نمی‌خواهیمش، رای می‌دهیم.

### ●● عملکرد دولت را در این عدم مشارکت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر چندعاملی ببینیم حتماً یکی از عوامل، عملکرد دولت است و اینکه دولت می‌توانست قوی تر ظاهر بشود اما نشد و مردم این را هم حتماً به حساب می‌آورند. من معتقدم عملکرد دولت به خصوص در دوره دوم طوری نبوده که رضایت مردم را جلب کند.

### ●● آیا شما نقدی به عملکرد دولت دارید؟

چیزی که من شخصاً به آن رسیده بودم این بوده که معدل دولت آقای روحانی بالا نبود. می‌توان به ظرفیت نمره بالا داد به وزیر نفت نمره بالا داد ولی بقیه وزرا معدل میامد پایین و این پایین بودن معدل دولت، باعث شد چنین اتفاقاتی بیفتد و مردم اقبال چندانی به انتخابات نشون ندهند.

### ●● راهکارتان برای افزایش مشارکت در انتخابات سال ۱۴۰۰ چیست؟

اگر کسی به حرف من گوش بدهد و من فقط بخواهم به راهکار بدهم آن این است که این کارهایی که می‌کنیم را نکنیم. من معتقدم اگر این کارهایی که الان دارم انجام می‌شود، انجام نشود مردم به صورت اتومات در انتخابات شرکت می‌کنند. مثلاً همین قانونی که در رابطه با کاندیداهای ریاست‌جمهوری در مجلس دارد تصویب می‌شود. این به قفلی است بر قفل‌های دیگر و هیچ گشایشی در فضای انتخاباتی ایجاد نمی‌کند و همه جا هم گفته شده که انگار این قانون برای یک نفر مشخص بسته شده و فقط شماره کفش و پیراهن طرف را نمی‌گویند. وقتی قانون اینطور به تمسخر گرفته می‌شود، اثرش را روی مردم می‌گذارد. یا مثلاً شورای نگهبان دارد با سختگیری افراد را رد صلاحیت می‌کند، خب نکنند، بگذارند رسانه‌ها آزادتر باشند و ...

### ●● نگاهتان به امریکا و غرب و اعتماد به شیطان بزرگ چیست؟

در عرصه بین الملل اعتماد شوخی است و اصلاً معنا ندارد و هر کسی دنبال منافع خودش است. در عرصه بین المللی به هیچ کس نمی‌توانیم اعتماد داشته باشیم؛ در عین حال هم باید به همه هم اعتماد داشته باشیم. ما باید در عرصه بین المللی خودمان را به دیگران تحمیل کنیم و اینطور نیست که فکر کنیم کسی برای ما فرش قرمز انداخته و عقد اخوت با ما بسته.

### ●● به نظر شما این ویژگی در قرارداد برجام لحاظ شده؟

ما در برجام آنقدری که می‌توانستیم و توانایی‌اش را داشتیم و دیپلمات‌ها اختیار داشتند بهترین محصول را به دست آوردیم. بله؛ ممکن بود کسی بگوید که این جایش را می‌توان اینطور کرد اما با توجه به جمیع جهات، این قرارداد قابل دفاع است.

هر کسی را بهر کاری ساختند. ادعای اون‌ها ممکن است این باشد که نسبت به این تیم کمی انقلابی تر باشند و گرنه بعید می‌دانم آنها دعا کنند مادر دیپلماسی و مذاکره از اینها قوی‌تریم.

### ●● شما عملکرد رسانه‌های مخالف و موافق برجام نسبت به برجام و اعضای تیم و قضایای اتفاق افتاده حول آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اتفاق تازه‌ای که افتاد این بود که وقتی بحث مذاکرات هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه منتقل شد، شاهد آزاد شدن رسانه‌ها برای گفتگو در این موضوع بودیم. ما قبل از این، اجازه نداشتیم در این باره صحبت کنیم. اما به اعتقاد من مخالفان برجام تندروی کردند و به اعتقاد من در جاهایی در زمین خارجی‌ها بازی کردند. وقتی سربازها را به جنگ می‌فرستید باید پشت جبهه را نگه داشت. من اعتقاد این است که بخشی از رسانه‌های مخالف، عکس این قضیه عمل کردند و تلاش کردند در عرصه دیپلماسی صدای واحدی از ایران به جهان مخابره نشود و این چیزی بود که آسیب زد و هنوز هم دارد آسیب می‌زند. الان جهان، رسانه است و ما نباید اینطور فکر کنیم که اگر رسانه‌های هر چند هم کم‌تیراز، اگر چیزی را منتشر کرد تاثیری ندارد. در بحث موافقان هم من قبلاً به حرفی رازدم که از حرف من سوءاستفاده شد و آن این بود که گفتم ممکن است بعضی جاها بزک کاری یا غلو شده باشد اما معدل رفتار رسانه‌های موافق برجام، انعکاس اتفاق‌هایی بود که در مذاکرات رخ می‌داد. مثلاً تلاش رسانه خود ما این بود که منعکس کننده چیزی باشد که تیم مذاکره کننده را کمک و تقویت می‌کرد.

### ●● دلیل انتقار برپونده هسته‌ای ایران از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه در دولت آقای روحانی چه بود؟

در خواست دولت و موافقت رهبری. عامل خاصی نمی‌خواست.

### ●● شما در صحبت‌هایتان فرمودید سایه جنگ به وسیله برجام از کشور ما برطرف شد؛ تاثیر برجام روی امنیت ملی و اقتصاد ایران چه بود؟

برجام معاهده اقتصادی نبود که ما توقع داشته باشیم اقتصاد ما را زیر و رو کند.

### ●● اما تاثیر گذار بود در دست است؟

بله تاثیر گذار بود اما اینکه فکر کنیم اثر آنی داشته باشد خب غلط است. برجام ابزار بود برای رفع موانع و مهمترین مسئله‌اش این بود که بخشی از پول‌های بلو که ما آزاد شد و بحث بعدی‌اش هم بحث فروش نفت و برگشت پولش بود. وقتی که گروه‌های مختلف اقتصادی از همه جای جهان می‌خواستند به ایران بیایند؛ همزمان دو تا اتفاق مهم افتاد و آن این بود که مخالفان به گونه‌ای عمل کردند که این گروه‌ها دل‌سرد شدند و از طرف دیگر یک فرد کاملاً غیراستاندارد به تعبیر روانشناسان امریکایی، یک فرد روانپزشک در امریکا سر کار اومد. این دو عامل باعث شد برجام از ریل خودش خارج بشود. اما جنازه برجام هم به کمک ما آمد و همین برجام نیمه‌جان حداقل سه بار باعث شد امریکایی‌ها شکست بخورند و امریکایی‌ها نتوانستند علیه ما قطعنامه بگیرند. من فکر می‌کنم اگر برجام ادامه پیدا می‌کرد و ما می‌توانستیم ارتباط را مجدداً با جهان برقرار کنیم به مراتب وضع ما بهتر بود و گرفتار تنگناهای اقتصادی نمی‌شدیم.

### ●● سه موردی که می‌فرمایید برجام ما رو نجات داد، چه مواردی بودند؟

امریکا دو بار پرونده ما را به شورای امنیت برد که رای بگیرد اما موفق نشد و آخرین بار هم همین چند ماه پیش بود که باز هم امریکا برای اعمال تحریم‌های بیشتر پرونده را برد سازمان ملل و از کشورها خواست بهش رای بدهند که باز هم موفق نشد و این عدم توفیق دقیقاً به خاطر برجام بود. در حالی که در دوره قبل حتی کشورهای دوست ما چین و روسیه هم بهش رای دادند.

### ●● دستورالعمل برجام برای افکار عمومی و مردم خودمان چه بود؟

به نظر من رای‌ی که مردم در مرحله دوم به آقای روحانی دادند یعنی برجام را تایید کردند. رای دور اولشان در خواست برجام بود. اگر بخواهم به اصطلاح کیفی حرف بزنم شاید مورد قبول نباشد اما اگر اینطور بگویم که وقتی آقای روحانی در دور دوم انتخابات آمده بود و حرفی زده بود و حرفش را هم عملی کرده بود و باز می‌گفت آگه من باشم می‌توانم این بحث را ادامه بدهم. آن رای‌ی که مردم به روحانی دادند، رای‌ی بود که افکار عمومی نسبت به برجام داد.

### ●● داستان تیرت تاریخی روزنامه شرق مبنی بر امضای کری تضمین است چه بود؟ آیا شما همچنان معتقدید که امضای کری تضمین است؟

من خواهش می‌کنم این بخش از صحبت‌های من را بدون تغییر منتشر کنید، برای اینکه من واقعا متأسفم که برای چندمین بار دارم این را توضیح می‌دهم و باز هم مورد سوال قرار می‌گیرم. داستان این تیرت به زمانی برمی‌گردد که آقای اوپاما دو سه هفته قبل از امضای برجام قانونی را تصویب کرد برای محدودیت ویزا و فضایی در بین رسانه‌ها ایجاد شد که این محدودیت به برجام ضربه می‌زند. در برنامه‌ای که آقای عراقچی داشتند ایشان در این رابطه





# دفاع از اشتباه یا فرار از پاسخگویی؟

• علی سلیمانی •





نزدیک به انتخابات سال ۹۲ و در حین تبلیغات نامزدهای انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری آقای دکتر روحانی با شعار مذاکره و تعامل و چرخیدن همزمان چرخ اقتصاد و سانتریفیوژ توانست رای عمومی را به دست بیاورد و رئیس جمهور کشور شود، ایشان بعد از انتخاب یکی از اعضای تیم مذاکره کننده خود در زمان دولت آقای خاتمی و مذاکرات با تروئیکای اروپا را به عنوان وزیر امور خارجه معرفی کرد و این انتخاب نشان از جدی بودن ایشان برای مذاکره با آمریکا بود؛ زیرا پیش از این در تبلیغات آقای روحانی اعلام کرده بود مذاکره و بستن با کدخدا (آمریکا) راحت تر است زیرا بقیه از او حرف شنوی دارند.

آقای روحانی به عنوان رئیس جمهور اعلام کرد مسئولیت مذاکرات با شخص بنده است، این قبول مسئولیت به خاطر اعتقاد و اعتماد ایشان به نتیجه مذاکرات بود، هر چند که ایشان سابقه مذاکرات سعدآباد و حتی مذاکرات الجزایر را نیز داشت؛ اما حالا که به عنوان نفر اول اجرایی کشور در مسند کار قرار داشت به نتیجه رساندن این مذاکرات در دسترس و سهل الوصول می دانست.

مذاکره با ۵+۱ شروع شد، در چند مرحله توافقات انجام گرفت و بیانیه‌هایی خوانده شد، دولت و تیم مذاکره کننده با اطمینان کامل از نتیجه مذاکره و بدون توجه به توصیه‌ها و هشدارهای داخلی مسیر مذاکرات را طی کرد و نهایتاً در تیرماه سال ۹۴ امضا و شروع آن به دی ماه همان سال موکول شد. با شروع برجام ایران به تمامی تعهدات خود به صورت یکجا عمل کرد که این خود نشانگر اعتماد بیش از اندازه دولتمردان ایران و تیم مذاکره کننده به طرف غربی بود که انتقادات فراوانی به این گام به گام نبودن اجرای تعهدات وارد است که حاصل این اقدام اشتباه عدم عمل به تعهدات از جانب طرف‌های دیگر مذاکره خصوصاً آمریکا بود.

پس از اینکه ایران تمام تعهدات را یکجا انجام داد، آمریکا نه تنها به تعهدات مندرج در برجام عمل نکرد (که البته بعدها مشخص شد خیلی از تعهدات برداشت‌های ذهنی مذاکره کنندگان ایرانی بوده است و نه مندرج در برجام مانند کلمه تعلیق که آقای ظریف گفت در برجام نیامده و من ندیدم)، بلکه اقدام به وضع تحریم‌های جدیدی کرد و از تمدید ده ساله قانون ISA تا محدودیت صدور رواید برای ایرانیان، محدود کردن تردد وزیر خارجه در مقر سازمان ملل در نیویورک، تصویب قانون کاتسا و... که همه اینها نقض مکرر برجام بود و این مورد را ثابت می کرد که اطمینان طرف ایرانی اشتباه بوده است.

بعد از بیان سیر اتفاقات از ابتدای شروع مذاکرات و نقض‌های صورت گرفته به سراغ واکنش عوامل دخیل در این اتفاق خواهیم رفت. در نگاه اول منطقی ترین اتفاق این است که به این بدعهدی‌ها واکنش محکم نشان داده شده و مسیر رفته را اصلاح کرد، اما با مراجعه به مواضع رئیس جمهور و وزیر خارجه، آن چیز که مشخص است این نکته است که نه تنها مسیر رفته را اشتباه نمی دانند و به درست بودن آن ایمان دارند، بلکه معتقدند باید این مسیر را ادامه داد و حاضر به پاسخگویی درباره تبعات آنچه در این چند سال برای کشور اتفاق افتاده و هزینه‌های بی شماری را برای کشور داشته هم نیستند.

آقای روحانی چهار سال بعد از برجام و مشاهده بدعهدی و عدم انجام تعهدات و تاثیر منفی گره خوردن اقتصاد کشور به عوامل بیرونی اعلام می کند: «باید در ذهن‌ها و تاریخ بماند که ایران با ۶ قدرت بزرگ جهان قرارداد امضا کرد و آنها آن را زیر پا گذاشتند و ما ناقض آن نبودیم و هنوز هم به آن عمل می کنیم».

این موضع نشان می دهد رئیس جمهور معتقد است نه تنها راه را اشتباه نرفته است بلکه درست بوده و باید آن را ادامه داد، ایشان بیشتر نیز به اینکه راه را درست می روند هم اشاره داشتند که «در زمینه مساله هسته‌ای

و گفتگو با آمریکا اقدام بزرگی کردیم و در این رهگذر نه پشیمان هستیم و نه متاسف، چرا که ما کار بزرگی را شروع کردیم و به نقطه مناسبی رساندیم (۹۷/۷/۳)».

کاملاً واضح است که رئیس جمهور مسیر را اشتباه نمی داند پس نمی توان از ایشان توقع داشت بابت این موضوع پاسخگو باشند، زیرا از نظر ایشان اشتباهی رخ نداده که نیاز به پاسخگویی باشد. رفتار ایشان بیشتر شبیه به دفاع از یک مسیر طی شده است که کوتاه آمدن از آن ضربه به حیثیت و پشتوانه فکری ایشان و دولت است. به خاطر همین به هر قیمت در حال دفاع جانانه از مسیر پیموده هستند و حاضر به عدول از آن نیستند، برای مثال می توان به صحبت ایشان اشاره کرد که روزی گفتند: «مگر کشورها دیوانه هستند که با آمریکا مذاکره کنند» اما بلافاصله وقتی ذره‌ای تمایل به مذاکره از جانب ترامپ دیدند، اعلام کردند: اگر آمریکا همه تحریم‌ها علیه ایران را بردارد، ساعتی بعد می توانیم ملاقات کنیم.»

رئیس جمهور یک چشم‌انداز بیشتر ندارد و آن هم راه مذاکره با آمریکاست و تمام رفتارهای ایشان دفاع از یک اشتباه است، اشتباهی که به چشم دیگران می آید اما به چشم ایشان خیر، زیرا عاشق توان دیدن عیوب معشوق فر ندارد، البته آقای روحانی در این مسیر تنها نیست بلکه تیم سیاست خارجی او علی‌الخصوص جناب ظریف همراهی شایان توجهی با ایشان دارند. شاید بتوان گفت اسکلت اصلی و وجه دیپلماتیک آقای ظریف مذاکره است و اگر ایشان را از این مهم محروم کنیم به طور کامل فرو خواهد ریخت.

از همین رو ایشان با اینکه قطعاً متوجه بدعهدی‌ها و فروپاشی برجام شده است اما برای حفظ شاکله خود مجبور است از این اشتباه دفاع کند. حتی می بینیم ایشان این اواخر در گفتگوی ویدیویی خود از مصوبه مجلس اعلام ناراحتی می کنند، زیرا آن را مسدودکننده راه مذاکره می دانند، که این امر خبر از این می دهد که ایشان نه تنها اشتباهی در اقدامات خود و تبعات حاصل از آن نمی بینند بلکه در صورتی که بتوانند در داخل اجماع ایجاد کنند باز هم حاضر به مذاکره با شرایطی شبیه به آنچه در قبل انجام دادند هستند؛ با این تفاوت که در فقره قبلی مولفه قدرتی برای معامله وجود داشت اما در مذاکرات مدنظر ایشان و تیم همفکرشان تنها مولفه امنیت ملی برای حراج باقی مانده است.

به طور کلی نمی توان آقایان روحانی و ظریف را متهم به فرار از پاسخگویی کرد، زیرا کسی از پاسخگویی فرار می کند که بداند اشتباه و خطایی مرتکب شده است و برای فرار از پاسخگویی برای آن اشتباه به اقداماتی دیگر دست می زند اما آقایان روحانی و ظریف همچنان تاکید بر مسیر گذشته دارند و معتقدند اگر اجازه داده شود و به تعبیر آنها سنگ اندازی رخ ندهد، قادر خواهند بود با مذاکره مشکلات کشور را برطرف کنند.

این انگیزه با شکست ترامپ و پیروزی جو بایدن در آمریکا بیشتر هم شده است و شاهد بودیم که رسانه‌های همسو با دولت بر دوستی آقای ظریف و بایدن مانور می دادند و حتی آقای ظریف بعد از پیروزی بایدن تلوینا حرفشان درباره عدم کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ را پس گرفتند که این نشان می دهد نه تنها اعتقادی به اشتباه بودن مذاکره در دوره قبل با رئیس بایدن و ماحصل آن ندارند، بلکه در اولین فرصت حاضرند به میز مذاکره برگردند، بدون توجه به این بدعهدی‌ها و عدم انجام تعهدات از سوی آمریکا و حتی اروپایی که در زمان ترامپ جوری رفتار کرد که انگار به دنبال منفعت رساندن به ایران است، اما در عمل «تقریباً هیچ» نفعی بود که به ایران رساندند. آقای روحانی و آقای ظریف از پاسخگویی فرار نمی کنند، آنها از اشتباهشان دفاع متعصبانه می کنند.

و من الله التوفیق

**کاملاً واضح است که رئیس جمهور مسیر را اشتباه نمی داند پس نمی توان از ایشان توقع داشت بابت این موضوع پاسخگو باشند، زیرا از نظر ایشان اشتباهی رخ نداده که نیاز به پاسخگویی باشد. رفتار ایشان بیشتر شبیه به دفاع از یک مسیر طی شده است که کوتاه آمدن از آن ضربه به حیثیت و پشتوانه فکری ایشان و دولت است.**





# از آرمانگرایی تا واقع گرایی، تعارض یا زمین بازی

• امیرحسین آذری •



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنَّ كَيْدَ جَحْدِمِ جَهَادًا فِي سَبِيلِي وَإِنِّي غَاءَ مَرْضَاتِي تَسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید، هرگز نباید کافران را که دشمن من و شمایند یاران خود برگرفته و طرح دوستی با آنها افکنید در صورتی که آنان به کتابی که بر شما آمد یعنی قرآن حق سخت کافر شدند، رسول خدا و شما مؤمنان را به جرم ایمان به خدا از وطن خود آواره می‌کنند، پس نیاید اگر شما برای جهاد در راه من و طلب رضا و خشنودی من بیرون آمده‌اید پنهانی با آنها دوستی کنید، و من به اسرار نهان و اعمال آشکار شما دانانترم، و هر که از شما چنین کند سخت به راه ضلالت شتافته است. (سوره ممتحنه آیه ۱)

در ابتدا برای پرداختن به موضوع باید واژگانی تعریف کنیم تا حق مطلب به طور کامل و شایسته اداء شود تا مطل مان باعث ایجاد فهم عمیق تر در خواننده شود از این رو به تعریف زیر می‌پردازیم.

۱) آرمانگرایی؛ آرمانگرایی یا ایده‌آلیسم

مجموعه‌ای از دیدگاه‌های فلسفی با این مدعاست که ایده‌ها موضوع حقیقی معرفت هستند و ابعاد ادبی، هنری، روابط بین‌الملل دارد؛ این نظریه بیان دارد که ایده‌ها بر اشیا مقدم‌اند و این ایده‌ها هستند که امکان بودن را برای اشیا فراهم می‌کنند. (بوخنسکی، اینوستیوس ۱۳۸۷ فلسفه معاصر اروپایی. ترجمه شرف‌الدین خراسانی، تهران: علمی و فرهنگی ص ۶۷)

آرمانگراها سیاست را این گونه معنا کردن که هنر خوب حکومت کردن یا حکومت خوب و سیاستمداران با اخلاق.

در کل آرمانگرایی را می‌توان اینگونه معنا کرد ستودن و پیمودن مصرانه آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها در جهت رسیدن به اهداف عالییه. منشأ آرمانگرایی را هم باید به فیلسوفان یونان باستان رجوع کنیم اما تعریف امروز ما از رئالیسم بیشتر نزدیک به ایده‌آلیسم آلمانی است که از نظریات کانت شروع شد و با تعالیم هگل به اوج خود رسید.

۲) واقعیت‌گرایی؛

واقع‌گرایی یا رئالیسم متضمن مفهوم صدق (یا حقیقت) یا کذب است که ابعاد مختلف فلسفی هنری ادبی و روابط سیاسی دارد. هدف علم نزد واقع‌گرایان توصیف صادق و درست چگونگی واقعیت جهان است، چنانچه گزاره‌ای که به آن علم داریم، در عالم خارج از ذهن نیز برقرار باشد، علم ما از معلوم درست و صادق است. در غیر این صورت علم ما نادرست و کاذب است ((جچالمرز، آلن، چستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، تهران: سمت، ص ۵۵))

در واقع واقع‌گرایی یک رویکرد از داخل به خارج است با گرایش و توجه به واقعیت و دوری از خیال‌پردازی و پایبندی به طبیعت یا زندگی واقعی حتی ریزترین نکات بدون ذره‌ای اغراق و خیالی‌بافی. همچنین در مورد منشاء آمو ن باید گفت واقع‌گرایی ریشه در تاریخ بشری دارد، اما پیدایش رسمی آن به دوره پس از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. پیش از جنگ جهانی دوم، اندیشه واقع‌گرایی از سوی ادوارد کار ارائه شد و مورگان‌تا آن را به صورت الگویی علمی

عرضه کرد.

حال با توجه به مطالب بیان شده می‌توان به توصیف نظریات بدنه‌تئور یسن این گروه (اصلاح‌طلبان) پرداخت. اصلاح‌طلبان از همان ابتدا به دنبال ایجاد روابط دوستانه با دنیا به ویژه با غرب یعنی اروپا و ایالات متحده بودند؛ از همین رو غربیان در انتخابات‌های مختلف از این گروه حمایت می‌کردند در همین راستا هم اصلاح‌طلبان تمام سعی خود برای ایجاد منافع دو طرفه و بدون توجه به تمام کارشکنی‌ها و بدعهدی و دشمنی‌ها هم چنان به دنبال ارتباط پایدار هستند. و اعتقادی به پیشرفت و توسعه بومی محور ندارد و همواره توسعه را به روابط بین‌الملل و ایجاد رابطه دیپلماتیک با غربیان گره می‌زنند.

از همین رو دیگر با انقلاب میانه‌ای ندارد و با انگاره‌های غربی قابل توصیف و همچنین تعریف هستند و همچنین دارای چهار چوب اصولی هستند که عبارت است:

- ۱) این جریان به میانی سیاسی لیبرال دموکراسی و سکولاریسم معتقد است و نسبت به درهم‌تنیدگی دین و سیاست باوری ندارد.
- ۲) به تکنوکراتیسم غربی و عملگرایی باور دارند.
- ۳) به چارچوب‌های تفکر و عمل انقلابی اعتقاد چندانی ندارند.
- ۴) در عرصه اقتصاد بیشتر خود را به میانی اقتصادی غرب و همان لیبرال سرمایه‌داری غربی پایبند می‌دانند.
- ۵) به طور کلی حاکمیت ظالمانه غرب بر جهان را پذیرفته‌اند.
- ۶) انقلابی‌گری را تفکر احساسی دانسته و عمیقاً بر این باورند که دوران انقلابی‌گری و تفکر احساسی سپری شده است.
- ۷) به انجام امور فرهنگی توسط دولت باور چندانی ندارند و بیشتر به پلورالیسم معرفتی و به تبع آن پلورالیسم فرهنگی معتقدند.
- ۸) اندیشه‌های سیاسی غرب را قبول داشته به طور کلی غرب‌گرایی، غرب‌باوری و حتی در مواردی علقه‌های غرب‌پرستی دارند.

اینها مواردی است بسیار روشن و در موضعگیری‌ها و رسانه‌های خودشان هم کاملاً مشخص است و حتی‌تئور یسن‌های این جریان برای انتقال دیدگاه فکری و سیاسی خود به بدنه جامعه اصرار دارد. و از هیچ کاری مضایقه نمی‌کنند. مثلاً افرادی مثل سعید حجاریان یا صادق زیباکلام با سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایشان در مورد آشتی با غرب نقش به‌سزایی در اقبال عمومی جامعه و همچنین به دنبال آن حرکت دستگاه دیپلماسی به سمت مذاکرات هسته‌ای داشتند البته این یک از صد دلیل برای حرکت به سمت مذاکرات است.

این در حالی است که اصول و میانی انقلاب اسلامی و اهداف امام خمینی معمار کبیر انقلاب اسلامی تأکید بر مسائلی مانند استکبارستیزی و به طور خاص مبارزه با آمریکا و صهیونیسم مبتنی است و مسائلی چون کمک به مستضعفان جهان.

همچنین رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آرمانگرایی عین عقانیت می‌دانند و بیان می‌کنند اگر ملتی دچار بی‌آرمانی شد از درون پوک و تهی می‌شود مانند امروز جوامع غربی که امروز دچار ایدئولوژی و محتوا می‌گردند. ملت‌ها با آرمان‌هاست که شوق به پیشرفت پیدا می‌کنند و هر چه این آرمانها پاک‌تر، نورانی‌تر و والاتر این حرکت صحیح‌تر خواهد بود. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳)

منابع:

نامه‌ای برای فردا از سید محمد خاتمی نشر کتاب سبز  
مقاله: مقایسه مواضع سیاسی دو رویکرد اصولگرایی و اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی ایران؛ نویسندگان: کریم قاسمی، اسماعیل شفیعی.  
مجله: سپهر سیاست پاییز ۹۹ شماره ۲۵

فرهنگ جامع سیاسی - نوشته محمود طلوعی - نشر علم  
کتاب اصطلاحات سیاسی - به کوشش عبدالرحمان میاح - نشر پارسایان  
کتاب پژوهش در علوم سیاسی - نوشته دکتر کاووس سیدامامی  
چرا اصلاحات شکست خورد: نقدی بر عملکرد هشت ساله اصلاح‌طلبان در ایران  
۱۳۷۶-۱۳۸۵، دکتر کاظم علمداری، خرداد ۱۳۸۷، انتشارات سایه

# آخرین تحولات برجام در ایران

بررسی موضع گیری و عملکرد دولت پس از تصویب قانون  
«اقدام راهبردی برای لغو تحریم ها و صیانت از حقوق ملت ایران» توسط مجلس\*



مرتضی احمدی • کارشناس روابط بین الملل

ابتداءً، از خود آقای رئیس جمهور تا هیئت دولت نسبت به این طرح موضع گیری منفی داشتند. نکته این جاست که این واکنش منفی داخلی همراه بود با واکنش منفی کشورهای خارجی تا جایی که وزیر خارجه آمریکا به شکل رسمی بیانیه داد و به طرح مجلس اینطور انتقاد کرد: «ایالت متحده، قانونی که جدیداً توسط مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان ایران به تصویب رسیده که حقه جدید نظام برای استفاده از برنامه هسته‌ای خود برای نهیب زدن به جامعه بین‌المللی است محکوم می‌کند.» و این یک واکنش سراسر منفی بوده و اینکه چه ارتباطی بین واکنش منفی دولتمردان ما با کشورهای خارجی وجود دارد جای ابهام و سوال دارد. دولتی‌ها در واکنش‌های منفی و اولیه خودشان سعی کردند این بحث را مطرح کنند که این عمل در حیطه اختیارات مجلس نیست و بعد از اینکه دبیرخانه شورای عالی بیانیه داد، وارد گام بعدی شدند و گفتند حالا که قانون

●● لطفاً نظرتان را درباره مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی، تحت عنوان «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران» بفرمایید. ارزیابی شما از موضع گیری آقای روحانی درباره این طرح چیست؟

نکته اولی که باید به آن اشاره کنم این هست که آن چیزی که تحت عنوان «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران» از آن یاد می‌شد، امروز تبدیل به قانون شده و اجرای قانون هم برای همه نهاد‌های داخل کشور ضروری است و کسی نمی‌تواند بگه من از این قسمت قانون خوشم نمی‌آید پس اجرائش نمی‌کنم اما در این بین، بر خود دولت با این طرح، از همان ابتدا یک برخورد کاملاً عجولانه و شتابزده بود. علیرغم اینکه دولت مجلس را به شتابزدگی متهم می‌کرد؛ اما خودش در این قضیه بسیار عجولانه‌تر رفتار کرد به طوری که از



وقتی می‌بینیم که بارها اعلام شده ایران تعهدات خودش را انجام داده اما آمریکا از توافق خارج شده و اروپا هم به تعهداتش عمل نکرده، از این روند ناراضی هستیم و این مذاکره پالس منفی به دنیا می‌فرستد. آقای بایدن رسماً یادداشت نوشته که چگونه فشار هوشمند بر ایران را افزایش بدهیم و اگر عده‌ای نظرشان این باشد که دوباره برویم به سمت مذاکره، خوب این پالس منفی است. این کیفیت مذاکره‌ست و گرنه می‌توان مذاکره از موضع قدرت داشت و هیچوقت هم نفی نشده، ولی مذاکره برای مذاکره که نتیجه‌اش بشود برجام ۱ و ۲ و ۳ مورد تأیید نیست و تبدیل می‌شود به پالس منفی برای کشورهایی که می‌خواهند از ما الگو بگیرند.

### ●● ارزیابی‌تان از عملکرد تیم مذاکره‌کننده ایران در مذاکرات انجام شده چه بود؟

اگر بخواهم منصفانه بگویم اینها افرادی هستند که علیرغم ادعای شناخت دنیا، هیچ شناخت و ارزیابی درستی از دنیا ندارند. نتیجه میل به مذاکره دولت روحانی چه شد؟ این شده که آقای پمپئو می‌گوید ما ۷۷ سری تحریم علیه ایران وضع کردیم و ۱۵۰۰ نهاد و فرد را تحریم کردیم و در مقابل این صحبت و واکنش دولت ما چیست؟ اجرای برجام. این یعنی شناختی که ادعا می‌شود وجود دارد، فانتزی است.

### ●● با توجه به برجام، ترور و قضایای بعد از آن و همچنین نحوه واکنش سیاسیون ما به این قضایا، به نظر شما چه راهکاری برای اینکه تجربه برجام را در جامعه زنده نگه داریم وجود دارد؟

یک قاعده عقلانی در باره بحث انفجارات وجود دارد و آن این است که اگر فردی بیاورد داخل اتاق شما و خودکار تان را بردارد و شما چیزی نگویید، دفعه بعد لپ‌تاپ شما را برمی‌دارد. این یعنی چه؟ یعنی ظالم در برابر اقدام ظالمانه‌اش، باید برخورد لازم رو ببیند.

نکته دوم درباره افکار عمومی، این امر وظیفه‌ی رسانه‌ها را دو چندان می‌کند و نباید اجازه داد که افکار عمومی تحریف بشود و باید واقعیت رو گفت. حتی اگر در این باره موضع ایدئولوژیک هم نداشته باشیم و صرفاً موضع ما موضع عقلانی باشد، می‌بینیم آمریکا درباره هیچ کشوری در مذاکرات وفا نکرده و بدعهد بوده. توافقی نبوده که ترامپ از آن خارج نشده باشد، البته در هیچکدام از این توافقات اینطور نبوده که کشوری که خارج می‌شود هزینه بدهد؛ آمریکا از برجام خارج شده و هزینه‌اش را ما داریم می‌دهیم.

### ●● عملکرد رسانه‌ها در اقتناع افکار عمومی در مورد برجام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عملکرد مطلوبی نبوده و درگیر حواشی شده‌اند و اگر رئیس‌جمهور رو دنبال کرده بودیم شاید اتفاقات بهتری می‌افتاد. شما ببینید، ما در بحث برجام چند تا مستند خوب داریم؟ البته ما کلاً در بحث رسانه در سیاست خارجی ضعف داریم که اینجا هم خودش را نشان داده. رسانه‌های ما در روند این تجربه تکامل تاریخی نتوانسته‌اند آنطور که باید و شاید عمل کنند.

### ●● فضای دانشگاه قبل و بعد از برجام چگونه بود؟

فضای دانشگاه در زمان برجام یک فضای خوش‌بینی محض بود و آن موقع نقد به مذاکره یا مذاکره‌کننده‌ها جرم بود و هر گونه نقدی را هم با تمسخر و به بدترین شکل ممکن پاسخ می‌دادند. بعد از برجام خوش‌بینی اولیه تبدیل به سرخوردگی شده. کسانی که مخالف بودند صحت گفته‌هایشان ثابت شد. اما کسانی که خوشبین بودند الان ترجیح می‌دهند سکوت کنند و آن رویکردی از بین رفته و پخته‌تر شده‌اند.

\*این مصاحبه قبل از سخنرانی مقام معظم رهبری درباره‌ی طرح راهبردی گرفته شده است.

تصویب شده ما مطابق با میل خودمان است آن را اجرا می‌کنیم. آقای روحانی در نشست خبری‌شان به آیین‌نامه اجرایی تنظیم شده، اشاره کردند. آیین‌نامه اجرایی سوم بهمن ماه در جلسه هیئت دولت به تصویب می‌رسد. در حقیقت آیین‌نامه اجرایی، مصوبه مجلس را به حالتی که مورد رضایت دولت باشد، تبدیل کرده و این خلاف قانون است. چرا؟ چون آیین‌نامه اجرایی نمی‌تواند خلاف نص صریح قانون باشد و رئیس مجلس این اختیار رو دارد که آن را ابطال کند. مثلاً در ماده یک قانون اقدام راهبردی آمده که: «سازمان انرژی اتمی ایران موظف است بلافاصله بعد از تصویب این قانون نسبت به تولید اورانیوم با غنای ۲۰ درصد اقدام کند.»

این قید بلافاصله نشان از عدم وجود قید زمانی است؛ اما دولت در آیین‌نامه اجرایی سه قید غیرقانونی به آن زده و اشاره کرده که برای اینکه سازمان انرژی اتمی، تولید اورانیوم با غنای ۲۰ درصد را انجام بدهد، باید ظرف دو ماه بعد از اجرایی شدن قانون، یک گزارش به دولت ارائه بدهد و اصلاً هیچ خبری از تولید اورانیوم نیست و صرفاً باید یک گزارش ارائه بدهد. قید دیگری که هم که دخیل شده بحث زمان است که در آیین‌نامه اجرایی به دو ماه اشاره شده در حالی که در مصوبه مجلس قید بلافاصله مطرح بود.

اینها افرادی هستند که زمانی اعلام می‌کردند که غنی‌سازی را ظرف دو روز برمی‌گردانیم و حالا در ظرف دو ماه، فقط به دادن گزارش، اشاره می‌کنند و این تناقض در مواضع خودش جای سوال است و افکار عمومی باید در این باره سوال بپرسد؛ اما جدا از پاسخ‌دهی به این سوال؛ این کار دولت خلاف قانون است و از آنجایی که رئیس سازمان انرژی اتمی موظف است این قانون را اجرایی کند و به بهانه وجود آیین‌نامه اجرایی، تا امروز اجرا نکرده، مشمول ماده نهم قانون اقدام راهبردی می‌شود و مجازات علیه او اعمال می‌شود. ماده نه این قانون می‌گوید: «مستکفین از اجرای این قانون به تناسب امتناع یا ممانعت از اجرا به مجازات تخریبی در جات ۲ یا ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم می‌شوند.» خوب الان آقای صالحی موظف است این قانون رو اجرا کند، اگر اجرا نکنند مشمول ماده نه می‌شود و آقای جهانگیری هم به دلیل ممانعت از اجرا، مشمول این قانون می‌شود. نکاتی که عرض کردم آخرین تحولات برجام در کشور ما طی چند روز گذشته بوده که سعی کردم خیلی خلاصه بیان کنم.

### ●● نقدی که آقای روحانی و تیم رسانه‌ای‌شان به این مصوبه و شخص آقای قالیباف وارد می‌کنند این هست که این طرح کارکرد رسانه‌ای دم انتخاباتی دارد، نظر شما در این باره چیست؟ این طرح چقدر کارکرد تبلیغاتی سیاسی دارد؟

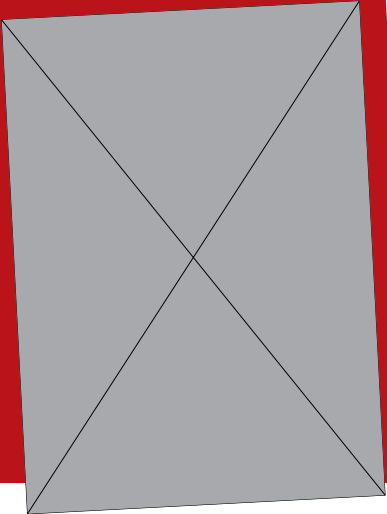
ما با نیت آدم‌ها که کاری نداریم؛ مثلاً همین حرف آقای روحانی هم نمی‌دانیم مبنایش چیست. ولی امروز برای کسی تردیدی وجود ندارد که نیت آقای روحانی و تیم همراهش رفتن به سمت مذاکرات است. این بحث جدا از مبانی سیاسی‌اش، این قابلیت را هم دارد که اگر ما روزی به سمت مذاکره هم رفتیم با دست پر برویم. اگر ما مولفه‌های قدرتمان را تقویت کنیم، اثرش این است که دست تیم مذاکره‌کننده در مذاکرات پر میشه؛ یعنی اگر این افراد مذاکره‌کننده هم باشند، این قانون است و باید به آن احترام بگذارند. اگر بی مذاکره هم هستند دست خالی مذاکره رفتن که فایده‌ای ندارد و این طرح مجلس بیش از اینکه سیاسی باشد کمک می‌کند به لغو تحریم‌ها و پر کردن دست تیم مذاکره‌کننده.





### ●● تاثیر مذاکره با آمریکا در حرکت‌های انقلابی سایر ملت‌ها که می‌خواهند با الگوبرداری از انقلاب ما حرکت‌هایشان رو پیش ببرند چیست؟

ببینید اصل مذاکره به معنی بده بستان همیشه وجود داشته و نمی‌توان گفت که ذات مذاکره منفی است. نوع مذاکره است که محل بحث است. اگر ما ببینیم مذاکره‌ای صورت گرفته که یک طرفه است و منابع قدرت از ما گرفته شده و یا

چیزی که امروز از شما  
تحت عنوان «اقدام  
راهبردی برای لغو تحریم  
ها و صیانت از حقوق ملت  
ایران» یاد میشه؛  
امروز تبدیل به قانون شده  
و اجرای قانون  
برای همه نهادها داخل  
کشور ضروریه.





 tehran.bso       tehtanbso  
 tehranbso       tehranbso

آدرس: تهران - خیابان طالقانی  
مجتمع فرهنگی دانشجویی ۱۳ آبان  
ساختمان شهید وزوایی